



متن اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم

متن ذیل اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم می‌باشد که
تحت عنوان سند CONF.183/9 در ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۸
منتشر شد. متن رسمی این اساسنامه بعد از فرایند چند مورد
تصحیح در ۱۰ نوامبر ۱۹۸۸، ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۸، ۳۰ نوامبر
۱۹۸۸، ۸ مه ۲۰۰۰، ۱۷ ژانویه ۲۰۰۱، سرانجام در ۱۶ ژانویه
۲۰۰۲ تدوین، و در اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد.

ترجمه از مرکز اسناد حقوق بشر ایران

آدرس:

Iran Human Rights Documentation Center
129 Church Street, Suite 304
New Haven, CT 06510, USA

تلفن: (۲۰۳) ۷۷۲-۲۲۱۸

فاکس: (۲۰۳) ۷۷۲-۱۷۸۲

پست الکترونیکی: info@iranhrdc.org

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

اساسنامه دادگاه جنائی بین المللی رم

فهرست موضوعات

فهرست موضوعات.....	۱
مقدمه.....	۳
بخش اول. تأسیس دادگاه.....	۴
ماده ۱ دادگاه.....	۴
ماده ۲ رابطه دادگاه با سازمان ملل متحد.....	۴
ماده ۳ مقر دادگاه.....	۴
ماده ۴ جایگاه حقوقی و اختیارات دادگاه.....	۴
بخش دوم. صلاحیت قضائی، قابلیت طرح دعوی و قوانین حاکم.....	۵
ماده ۵ جرائمی که در قلمرو قضایی دادگاه می باشند.....	۵
ماده ۶ نسل کشی.....	۵
ماده ۷ جنایت علیه بشریت.....	۵
ماده ۸ جنایات جنگی.....	۷
ماده ۹ عناصر جرم.....	۱۱
ماده ۱۰.....	۱۱
ماده ۱۱ صلاحیت قضائی دادگاه از لحاظ زمانی.....	۱۱
ماده ۱۲ شروط لازم برای اعمال صلاحیت قضائی.....	۱۲
ماده ۱۳ اعمال صلاحیت قضائی.....	۱۲
ماده ۱۴ ارجاع یک مورد به وسیله کشور عضو.....	۱۳
ماده ۱۵ دادسرا.....	۱۳
ماده ۱۶ تعویق بازجوئی یا دادرسی.....	۱۴
ماده ۱۷ موضوعات مربوط به قابلیت طرح دعوی.....	۱۴
ماده ۱۸ آراء مقدماتی در مورد قابلیت طرح دعوی.....	۱۵

موارد اعتراض به صلاحیت قضایی دادگاه یا قابلیت طرح پرونده	ماده ۱۹
عدم محاکمه مضاعف برای ارتکاب جرم واحد	ماده ۲۰
قوانین حاکم	ماده ۲۱
اصول کلی حقوق جنائی	بخش سوم.
قانون کیفری را نمی‌توان عطف به ما سبق نمود	ماده ۲۲
عدم مجازات بدون وجود قانون	ماده ۲۳
عدم معطوف کردن قانون به ما سبق	ماده ۲۴
مسئولیت کیفری فردی	ماده ۲۵
عدم صلاحیت قضائی دادگاه نسبت به افراد کمتر از هجده سال	ماده ۲۶
بی اهمیت بودن تصدی مقام رسمی	ماده ۲۷
مسئولیت فرماندهان و دیگر مقامات ارشد	ماده ۲۸
عدم شمول قاعده مرور زمان	ماده ۲۹
عناصر فکری	ماده ۳۰
دلائل عدم شمول مسئولیت کیفری	ماده ۳۱
اشتباه در درک واقعیت یا اشتباه در قانون	ماده ۳۲
فرمان‌های مقام ارشد و توصیه قانون	ماده ۳۳

مقدمه

کشورهای عضو این معاهده،

با آگاهی از علائق مشترکی که آنها را با یکدیگر متحد ساخته و فرهنگ‌های آنان را با میراث مشترک به هم پیوند زده، و با نگرانی از فروپاشی هر لحظه این ساختار ظریف و حساس،

با توجه به قربانی شدن میلیون‌ها کودک، زن و مرد در قرن حاضر در اثر فجایع غیر قابل تصویری که وجدان بشری را شدیداً به لرزه درآورده،

با شناخت از به مخاطره افتادن صلح، امنیت و رفاه جهانیان به دلیل وقوع اینچنین جنایات ناگوار،

با تأیید بر مجازات شدیدترین جنایاتی که مایه نگرانی عموم جامعه جهانی است، و تضمین محاکمه کیفری مؤثر آن جنایات از طریق انجام اقداماتی در سطح ملی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی،

با عزمی راسخ برای پایان دادن به مصونیت مرتکبین اینگونه جنایات، و در نتیجه مشارکت در پیشگیری از وقوع این چنین مظالم،

با یادآوری این اصل که هردولتی وظیفه دارد تا صلاحیت قضائی کیفری خود بر افرادی که مسئول جنایات بین‌المللی هستند را اعمال نماید،

با تأیید مجدد بر مقاصد و اصول منشور سازمان ملل متحد، و علی‌الخصوص خودداری کلیه کشورها از تهدید یا به کارگیری زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورهای دیگر به هر طریقی که مغایر با مقاصد سازمان ملل متحد باشد،

با تأکید بر اینکه هیچ بخشی از این معاهده نباید به گونه‌ای تعبیر گردد که به کشورهای عضو اجازه مداخله در منازعات مسلحانه و یا در امور داخلی کشور دیگری را بدهد،

با تصمیمی قاطع برای نیل به این اهداف برای نسل‌های حاضر و آینده، مصمم به تأسیس یک دادگاه جنائی مستقل دائمی بین‌المللی در ارتباط با دستگاه سازمان ملل متحد، که دارای صلاحیت قضائی بر روی شدیدترین جنایاتی که مایه نگرانی عمومی جامعه بین‌المللی است،

با تأکید بر این که دادگاه جنائی بین‌المللی تشکیل شده بر اساس این قانون، مکمل صلاحیت قضائی کیفری ملی خواهد بود،

با اراده‌ای قاطع برای تضمین احترام پایدار و تنفیذ عدالت بین‌المللی،

نسبت به موارد ذیل توافق نموده‌اند؛

بخش اول. تأسیس دادگاه

ماده ۱

دادگاه

بدین وسیله، یک دادگاه جنائی بین‌المللی (که از این پس «دادگاه» نامیده خواهد شد) تأسیس می‌گردد. این نهاد، یک سازمان دائمی خواهد بود و صلاحیت خواهد داشت که حوزه قضائی خود را بر افرادی که مرتکب جدی‌ترین جنایاتی که جهان را تهدید می‌نماید، به شرحی که در این اساسنامه درج گردیده است، و مکمل صلاحیت قضائی جنائی ملی خواهد بود اعمال نماید. صلاحیت و وظائف این دادگاه بر اساس مقررات این اساسنامه تنظیم خواهد شد.

ماده ۲

رابطه دادگاه با سازمان ملل متحد

رابطه این دادگاه با سازمان ملل متحد از طریق توافقی که باید به تصویب مجمع کشورهای عضو این پیمان برسد و سپس به نیابت از این دادگاه توسط رئیس آن امضاء گردد، تأمین خواهد شد.

ماده ۳

مقر دادگاه

- ۱) مقر دادگاه در شهر لاهه در کشور هلند (که از این پس «کشور میزبان» نامیده خواهد شد) قرار خواهد داشت.
- ۲) دادگاه در باره محل دفتر مرکزی خود با کشور میزبان به توافق خواهد رسید. این توافق توسط مجمع کشورهای عضو تصویب می‌گردد و بعد از امضاء ریاست دادگاه به نمایندگی از این دادگاه مورد تأیید نهائی قرار خواهد گرفت.
- ۳) هرگاه دادگاه لازم بداند، می‌تواند مقر خود را به شرحی که در این اساسنامه درج گردیده است، به محل دیگری منتقل نماید.

ماده ۴

جایگاه حقوقی و اختیارات دادگاه

- ۱) دادگاه دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی خواهد بود. همچنین برای ایفای وظائف و تحقق اهدافش از قابلیت قضائی لازم برخوردار خواهد بود.
- ۲) دادگاه می‌تواند اختیارات و وظائف خود را به شرحی که در این اساسنامه درج گردیده، در قلمرو هر یک از کشورهای عضو و نیز با کسب موافقت مخصوص، در قلمرو هر کشور دیگری، به اجرا بگذارد.

بخش دوم. صلاحیت قضائی، قابلیت طرح دعوی و قوانین حاکم

ماده ۵

جرائمی که در قلمرو قضائی دادگاه می‌باشند

(۱) صلاحیت قضائی دادگاه محدود به جدی‌ترین جنایاتی که مایه نگرانی عموم جامعه بین‌المللی است می‌باشد.

دادگاه بر طبق این اساسنامه در مورد جرائم ذیل صلاحیت قضائی خواهد داشت:

ای (جنایت نسل کشی

بی (جنایت علیه بشریت

ج (جنایات جنگی

دی (جنایت تجاوز

(۲) دادگاه بر جنایت تجاوز در صورتی صلاحیت قضایی خواهد داشت که این جنایت بر طبق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳

تعریف و شرایطی که بر حسب آن این دادگاه صلاحیت قضائی خود را اعمال می‌نماید، تثبیت گردد. مقررات

مذکور باید منطبق با قواعد زیربط در منشور سازمان ملل متحد باشد.

ماده ۶

نسل کشی

برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، «نسل کشی» عبارت است از ارتکاب هر یک از اعمال ذیل به قصد نابود ساختن کل و یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، مانند:

الف) کشتن اعضاء آن گروه؛

ب) وارد آوردن صدمه شدید جسمی یا روانی به اعضاء آن گروه؛

ج) با یک حرکت حساب شده، عمداً ایجاد شرایط دشوار زندگی برای یک گروه به قصد نابود ساختن کل و یا بخشی از آنان؛

د) تحمیل اقداماتی به قصد پیشگیری از زاد و ولد در میان آن گروه؛

هـ) انتقال اجباری کودکان آن گروه به گروهی دیگر.

ماده ۷

جنایت علیه بشریت

(۱) برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، «جنایت علیه بشریت» عبارت است از انجام هر یک از اعمال ذیل

به عنوان بخشی از یک حمله علیه یک گروه غیرنظامی که به شکل گسترده یا سازمان یافته صورت بگیرد، با

اطلاع از حمله؛

الف (قتل؛

ب) نابودسازی؛

ج) برده سازی؛

د) اخراج و یا انتقال اجباری جمعیت؛

ه) محبوس ساختن یا دیگر آشکال محرومیت شدید از آزادی جسمی که نقض کننده مبادی اساسی حقوق بین‌الملل باشد؛

و) شکنجه؛

ز) تجاوز جنسی، برده کشی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری، و یا هر نوع خشونت جنسی دیگر در همان سطح؛

ح) آزار و تعقیب یک گروه یا جمعیت مشخص، به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی، به شرحی که در بند ۳ مشخص گردیده، یا به دلایل دیگری در سطح جهان بر اساس قوانین بین‌المللی در ارتباط با هر یک از اعمالی که در این بند یا هر جرم دیگری که در حیطه صلاحیت این دادگاه باشد به عنوان یک عمل غیرمجاز به رسمیت شناخته شده باشد؛

ط) ناپدید شدن اجباری افراد؛

ی) جنایت نژاد پرستی؛

ک) دیگر اعمال غیر انسانی با خصوصیتی مشابه که به قصد وارد آوردن عمدی درد و رنج شدید یا آسیب رساندن جدی به بدن، یا سلامت جسمی یا روانی افراد، صورت گیرد.

۲) برای مقاصد به کار رفته در بند ۱:

الف) «حمله علیه یک گروه غیر نظامی»، مجموعه‌ای از اعمالی است که به دنبال و یا در ادامه سیاست یک دولت یا سازمان برای انجام چنین حمله‌ای صورت می‌گیرد و شامل ارتکاب مکرر اعمالی علیه جمعیت غیرنظامی می‌شود که در بند ۱ به آن اشاره گردید؛

ب) «نابودسازی» شامل تحمیل عمدی اوضاع و احوال زندگی از جمله محرومیت از دسترسی به غذا و دارو می‌باشد که به شکل حساب‌شده و به قصد نابود سازی بخشی از جمعیت بشری صورت گیرد؛

ج) «برده سازی» یعنی اعمال هر یک و یا کلیه اختیاراتی که مربوط به حق تصاحب یک فرد می‌باشد و شامل به کار گرفتن چنین اختیاراتی در طی قاچاق افراد، به ویژه زنان و کودکان می‌شود.

د) «اخراج از کشور یا انتقال اجباری گروهی از مردم» یعنی جا به جا کردن اجباری افراد مورد بحث، از طریق اخراج یا اعمال مستبدانه دیگر، از ناحیه‌ای که قانوناً در آن حضور دارند، بدون هیچ‌گونه دلیلی که در حقوق بین‌الملل مجاز شمرده شود.

ه) «شکنجه» یعنی وارد آوردن عامدانه درد یا رنج شدید، چه جسمی و چه روانی، بر روی فردی که در حبس به سر می‌برد یا تحت کنترل شخص متهم قرار دارد؛ با این تفاوت که شکنجه شامل درد یا رنجی نمی‌شود که صرفاً ناشی از مجازات‌های قانونی گردد، یا به صورت ذاتی یا تبعی در نتیجه این مجازات‌ها حاصل شود.

و) «حاملگی اجباری» یعنی محبوس نمودن غیر قانونی زنی که با اجبار حامله شده، به قصد تأثیر گذاشتن در ترکیب قومی گروهی از مردم که توأم با موارد شدید نقض حقوق بین‌الملل باشد. این تعریف نباید به هیچوجه به گونه‌ای تفسیر گردد که بر قوانین ملی مربوط به حاملگی تأثیر گذارد؛

ز) «آزار و تعقیب» یعنی محروم ساختن عمدی و شدید یک گروه یا جمعیت از حقوق اساسی آنان برخلاف موازین حقوق بین‌المللی، به دلیل هویت گروهی یا جمعی ایشان؛

ح) «جنایت نژاد پرستی» یعنی اعمال غیر انسانی با خصوصیات مشابیه با موارد مذکور در بند ۱ که در چارچوب یک رژیم نهادینه شده سرکوبگر و سلطه‌جو توسط یک گروه نژادی بر یک و یا چندین گروه نژادی دیگر به قصد ابقای آن رژیم صورت بگیرد.

ط) «ناپدید شدن اجباری افراد» یعنی دستگیری، بازداشت یا ربودن افراد، توسط یا با اجازه، حمایت یا موافقت یک دولت یا سازمان سیاسی و متعاقب آن، عدم اعتراف به محرومیت آنان از آزادی و امتناع از دادن اطلاعات راجع به سرنوشت و یا محل نگهداری آنان با قصد محروم ساختن آنها از حمایت‌های قانونی برای مدت زمان طولانی می‌باشد.

۳) برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، واژه «جنسیت» به مفهوم اشاره به دو جنس مذکر و مؤنث با معنایی که در جامعه به کار می‌رود می‌باشد. واژه «جنسیت» بر هیچ‌گونه معنای متفاوت با آنچه در فوق ذکر شد، دلالت ندارد.

ماده ۸

جنایات جنگی

۱) دادگاه در ارتباط با جنایات جنگی، به ویژه اگر این جنایات به عنوان بخشی از یک برنامه یا خطمشی یا به عنوان بخشی از ارتکاب اینگونه جنایات در مقیاسی وسیع صورت بگیرد، صلاحیت قضائی خواهد داشت.

۲) برای مقاصد به کار رفته در این اساسنامه، «جنایات جنگی» به معنی موارد ذیل خواهد بود:

- الف) موارد جدی نقض کنوانسیون ژنو، مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ (برابر با ۲۱ مرداد ۱۳۲۸)، یعنی هر یک از اعمال ذیل که علیه اشخاص یا اموال تحت حمایت مقررات مربوطه در کنوانسیون ژنو صورت گیرد:
 - ۱- قتل عمد؛
 - ۲- شکنجه یا رفتار غیر انسانی، از جمله آزمایش‌های بیولوژیکی؛
 - ۳- وارد آوردن رنج شدید یا آسیب جدی به بدن یا سلامت افراد؛
 - ۴- تخریب و تصرف اموال در سطح گسترده، که به صورت غیر قانونی و مغرضانه انجام گیرد و نتوان آن را به دلیل ضرورت نظامی توجیه نمود؛
 - ۵- مجبور ساختن زندانیان جنگی یا دیگر افراد محافظت‌شده به خدمت در نیروهای یک قدرت متخاصم؛
 - ۶- محروم ساختن عمدی زندانی جنگی یا دیگر افراد محافظت‌شده، از حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه و قانونی؛

۷- اخراج یا انتقال غیر قانونی یا حبس غیر قانونی؛

۸- گروگان گیری.

ب) نقض موارد دیگر قوانین حقوقی و عرفی که در منازعات مسلحانه بین المللی قابل اعمال هستند و در چارچوب حقوق بین الملل تثبیت شده اند، مانند:

۱- حملات عمدی بر ضد غیرنظامیان با قصد حمله علیه آنان، یا افراد غیر نظامی که مستقیماً در این مخاصمات شرکت ندارند؛

۲- حملات عمدی به سوی اهداف غیر نظامی، یعنی اهدافی که دارای کاربرد نظامی نیستند؛

۳- حملات عمدی علیه کارکنان، تأسیسات، ابزار، واحدها، یا خودروهایی که در خدمات بشردوستانه یا هیئت های پاسدار صلح مطابق با منشور سازمان ملل متحد مشغول هستند و تا هر زمانی که آنها براساس قوانین بین المللی منازعات مسلحانه تحت پوشش محافظت های متعلق به اشخاص یا اهداف غیر نظامی قرار بگیرد؛

۴- آغاز عمدی حمله با علم به اینکه چنین حمله ای باعث تلفات یا صدمات به افراد غیر نظامی یا تخریب اهداف غیر نظامی یا خسارات شدید، گسترده و دراز مدت به محیط زیست می شود که در مقایسه با مجموع منافع نظامی مستقیم و قطعی پیش بینی شده، مسلماً زیاده از حد باشد.

۵- هر گونه بمباران یا حمله به شهرها، روستاها، نقاط مسکونی یا ساختمان هایی که تحت حمایت نظامی قرار ندارند و اهداف نظامی محسوب نمی گردند؛

۶- کشتن یا مجروح کردن یک فرد نظامی که دست از جنگ کشیده است یا دیگر طریقه ای برای دفاع از خود ندارد و به میل خود تسلیم شده است؛

۷- استفاده نامناسب از پرچم آتش بس، از پرچم یا نشانه و یونیفورم ارتشی طرف متخاصم یا سازمان ملل متحد، و نیز آرم های مشخص کنوانسیون های ژنو که سبب تلفات یا صدمات شدید افراد شود؛

۸- انتقال مستقیم یا غیر مستقیم بخشی از شهروندان غیرنظامی قدرت اشغالگر توسط این نیروها به داخل محدوده تحت اشغال، یا انتقال تمام یا بخش هایی از جمعیت منطقه اشغال شده به قسمت دیگری از این محدوده و یا اخراج این افراد به خارج از محدوده مذکور؛

۹- حملات عمدی به ساختمان های مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه، بناهای تاریخی، بیمارستان ها و مکان هایی که افراد بیمار و مجروح را در آن جمع آوری می کنند، مشروط بر آنکه این نقاط اهداف نظامی نباشند؛

۱۰- قطع اعضاء بدن افرادی که تحت سیطره نیروی متخاصم قرار دارند یا انجام هر گونه آزمایش های پزشکی یا علمی بر روی آنها که از جهت پزشکی، دندان پزشکی یا درمان بیمارستانی فرد مورد نظر قابل توجیه نباشد و یا انجام آن منفعتی برای وی در بر نداشته باشد و سبب تلفات جانی یا به مخاطره انداختن سلامت فرد یا افراد مزبور گردد؛

۱۱- کشتن یا زخمی کردن خائنانه افراد متعلق به ملت یا ارتش طرف متخاصم؛

۱۲- اعلام اینکه هیچ کسی درمان نخواهد بود؛

۱۳- انهدام یا توقیف اموال طرف متخاصم، مگر آنکه ضرورت‌های جنگی لزوم اجرای آن را جداً ایجاب نماید؛

۱۴- اعلام الغاء، تعلیق، یا عدم اعتبار حقوق و اقدامات حقوقی اتباع طرف متخاصم در دادگاه؛

۱۵- وادار نمودن اتباع کشور متخاصم به شرکت در عملیات جنگی بر علیه کشور خودشان، حتی اگر آنان پیش از شروع جنگ در خدمت کشور متخاصم بوده باشند؛

۱۶- چپاول یک شهر یا مکان، حتی اگر آن محل به وسیله حمله به اشغال درآمده باشد؛

۱۷- به کار گرفتن سلاح‌های مسموم کننده یا سمی؛

۱۸- به کار گرفتن گازهای مهلک، سمی، یا گازهای دیگر و تمامی مایعات، مواد یا ابزار مشابه؛

۱۹- استفاده از گلوله‌هایی که به راحتی در بدن انسان منبسط یا مسطح می‌شوند، مانند گلوله‌های دارای پوشش سخت که به طور کامل قسمت مرکزی گلوله را نمی‌پوشاند یا با ایجاد برش شکافته می‌شود؛

۲۰- به کار گیری سلاح‌ها، پرتابه‌ها، و مواد و روش‌های رزمی که طبیعتاً سبب ایجاد جراحات اضافی یا درد غیر ضروری شود یا ذاتاً غیر قابل کنترل بوده و ناقض قوانین بین‌المللی منازعات مسلحانه باشند، مشروط بر آنکه استفاده از چنین سلاح‌ها، پرتابه‌ها و مواد و روش‌های رزمی به کلی ممنوع بوده و از طریق اصلاحیه‌ای بر طبق مقررات موضوعه در مواد ۱۲۱ و ۱۲۳، در پیوست این معاهده قید شده باشد؛

۲۱- ارتکاب اهانت شدید نسبت به شأن و حرمت افراد، خصوصاً رفتارهای تحقیرآمیز و موهن؛

۲۲- ارتکاب تجاوز جنسی، برده سازی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، به شرحی که در ماده ۷، بند ۲(و) شرح داده شد، عقیم سازی اجباری یا هر نوع دیگر خشونت جنسی که کنوانسیون‌های ژنو را شدیداً نقض نماید؛

۲۳- بهره گرفتن از حضور افراد غیر نظامی یا دیگر افراد محافظت شده، برای مصون ساختن نقاط، مناطق یا نیروهای ارتشی خاص، در مقابل عملیات نظامی؛

۲۴- حملات عمدی به ساختمان‌ها، وسائل، واحدها و خودروهای پزشکی، و کارکنانی که از آرم‌های مشخص کنوانسیون‌های ژنو مطابق با حقوق بین‌الملل استفاده می‌کنند؛

۲۵- تحمیل گرسنگی اجباری بر غیر نظامیان به عنوان یک حربه نظامی، از طریق محروم ساختن این افراد از لوازم حیاتی که برای بقای آنها ضروری است، از قبیل ایجاد عمدی موانع در ارسال محموله‌های حیاتی که در کنوانسیون‌های ژنو ضروری نامیده شده‌اند؛

۲۶- سربازگیری و فراخواندن نوجوانان زیر پانزده سال به خدمت در گروها یا نیروهای مسلح یا استفاده از آنها برای شرکت فعالانه در مخاصمات.

ج) در صورت بروز مخاصمات مسلحانه‌ای که جنبه بین‌المللی ندارد، موارد جدی نقض ماده ۳ مشترک میان چهار کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ (برابر با ۲۱ مرداد ۱۳۲۸) ژنو، یعنی ارتکاب هر یک از اعمال ذیل علیه اشخاصی که فعالانه در مخاصمات شرکت ندارند، از قبیل اعضاء نیروهای مسلح که دست از جنگ کشیده‌اند و افرادی که به علت بیماری، زخمی شدن، یا دستگیری، و دلایل دیگر از جنگ معذور محسوب می‌شوند:

۱- خشونت نسبت به شخص و زندگی وی، خصوصاً هرنوع قتل، قطع عضو، رفتارهای ظالمانه و شکنجه؛

- ۲- اهانت شدید نسبت به شأن و حرمت افراد، به ویژه رفتارهای تحقیرآمیز و موهن؛
- ۳- گروگان گیری؛
- ۴- صدور احکام مجازات و اجرای اعدام بدون آنکه این احکام قبلاً توسط یک دادگاه معتبر قانونی تأیید گردیده باشد و آن دادگاه متضمن کلیه ضمانت‌های قضائی باشد که عموماً ضروری محسوب می‌شوند؛
- د) بند ۲(ج) شامل مخاصمات مسلحانه‌ای می‌شود که جنبه بین‌المللی ندارند و بنابراین در مورد اغتشاشات و تنش‌های داخلی مانند شورش‌ها، عملیات خشونت آمیز استثنائی و پراکنده یا اعمال دیگری از این قبیل، صدق نمی‌کند.
- ه) دیگر موارد جدی نقض قوانین و رسوم متداول قابل اجرا در منازعات مسلحانه که جنبه بین‌المللی ندارند، در چارچوب حقوق بین‌الملل پذیرفته شده اند، مانند:
- ۱- حملات عمدی صرفاً به سوی جمعیت غیر نظامی یا افراد غیر نظامی که مستقیماً در مخاصمات شرکت ندارند؛
- ۲- حملات عمدی به سوی ساختمان‌ها، وسائل، واحدها و خودروهای پزشکی، و کارکنانی که از آرم‌های مشخص کنوانسیون‌های ژنو مطابق با حقوق بین‌الملل استفاده می‌کنند؛
- ۳- حملات عمدی به سوی کارکنان، تأسیسات، ابزار، واحدها یا خودروهای مربوط به کمک‌رسانی‌های بشردوستانه یا هیئت‌های پاسدار صلح مطابق با منشور سازمان ملل متحد، مادامی که آنها از محافظت‌های متعلق به افراد یا اهداف غیر نظامی بر طبق قوانین بین‌المللی در منازعات مسلحانه برخوردار باشند؛
- ۴- حملات عمدی به ساختمان‌هایی که به اهداف مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص داده شده‌اند، بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌هایی که افراد بیمار و مجروح در آن جمع‌آوری می‌شوند، مشروط بر آنکه این نقاط هدف‌های نظامی نباشند؛
- ۵- چپاول یک شهر یا مکان، حتی اگر آن محل به وسیله حمله، به اشغال درآمده باشد؛
- ۶- ارتکاب تجاوز جنسی، برده‌سازی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، به شرحی که در ماده ۷، بند ۲(و) شرح داده شد، عقیم‌سازی اجباری یا هر نوع دیگر خشونت جنسی که نقض جدی ماده ۳ مشترک میان چهار کنوانسیون ژنو محسوب شود؛
- ۷- - سربازگیری و فراخواندن نوجوانان زیر پانزده سال به خدمت در گروه‌ها یا نیروهای مسلح یا استفاده از آنها برای شرکت فعالانه در مخاصمات؛
- ۸- صدور فرمان جا به جا نمودن غیر نظامیان به دلائلی که مربوط به مخاصمه باشد، مگر آنکه ایمنی غیر نظامیان مزبور یا دلائل اجتناب ناپذیر نظامی اینگونه ایجاب نماید؛
- ۹- کشتن یا زخمی کردن خائنانه جنگجویان نیروی متخاصم؛
- ۱۰- اعلام اینکه هیچ‌کسی درمان نخواهد بود؛
- ۱۱- قطع اعضاء بدن افرادی که تحت سیطره نیروی متخاصم قرار دارد یا انجام هر گونه آزمایش‌های پزشکی یا علمی بر روی آنها که از جهت پزشکی، دندانپزشکی یا درمان بیمارستانی فرد مورد نظر قابل توجیه نباشد و انجام آن منفعتی برای وی در بر نداشته باشد و سبب تلفات جانی یا به مخاطره انداختن سلامت فرد یا افراد مزبور گردد؛

۱۲- انهدام یا توقیف اموال طرف متخاصم، مگر آنکه ضرورت‌های جنگی لزوم اجرای چنین تخریب یا توقیفی را ایجاب نماید؛

و) بند ۲(هـ) در مورد مخاصمات مسلحانه‌ای که جنبه بین‌المللی ندارند قابل تطبیق است و بنابراین در مورد اغتشاشات و تنش‌های داخلی مانند شورش‌ها، عملیات خشونت آمیز استثنائی و پراکنده یا اعمال دیگری از این قبیل، صدق پیدا نمی‌کند. این بند بر منازعات مسلحانه‌ای که در قلمرو یک دولت اتفاق می‌افتد و در آن، مخاصمات مسلحانه میان مقامات دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا میان چنین گروه‌هایی برای مدتی طولانی در جریان باشد قابل تطبیق است.

۳) هیچ یک از مطالب مندرج در بندهای ۲(ج) و (هـ) نباید بر مسئولیت یک دولت برای تامین و برقراری مجدد نظم و قانون در کشور یا دفاع از وحدت و تمامیت ارضی آن کشور با توسل به تمامی شیوه‌های مشروع تأثیر بگذارد.

ماده ۹

عناصر جرم

۱) عناصر جرم باید دادگاه را در تفسیر و تطبیق ماده‌های ۶، ۷ و ۸ یاری دهد. این عناصر باید با کسب اکثریت دو سوم اعضاء مجمع کشورهای عضو، تصویب گردد.

۲) اصلاحیه‌های عناصر جرم می‌تواند توسط هر یک از مراجع ذیل پیشنهاد گردد:
الف) هر یک از کشورهای عضو؛

ب) قضاتی که حکم نهائی را با کسب اکثریت قاطع آراء صادر می‌کنند؛
ج) دادستان.

اصلاحیه‌های فوق باید با کسب اکثریت دو سوم آراء اعضاء مجمع کشورهای عضو، اتخاذ گردند.

۳) عناصر جرم و اصلاحیه‌های مربوط به آنها باید مطابق با این اساسنامه باشد.

ماده ۱۰

مطالب این بخش نباید طوری تفسیر گردد که مقررات موجود یا مقررات آینده حقوق بین‌الملل را برای مقاصد به جز آنچه مورد نظر این اساسنامه است محدود یا تضییع نماید.

ماده ۱۱

صلاحیت قضائی دادگاه از لحاظ زمانی

۱) دادگاه فقط در مورد جرائمی صلاحیت رسیدگی دارد که پس از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه صورت بگیرد.

۲) اگر کشوری بعد از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه به آن پیوندد، دادگاه تنها در مورد جرائم صلاحیت قضایی دارد که پس از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه در آن کشور به وقوع پیوندد، مگر آنکه کشور مزبور بر اساس بند ۳ ماده ۱۲ صلاحیت دادگاه را پذیرفته باشد.

ماده ۱۲

شروط لازم برای اعمال صلاحیت قضائی

- ۱) بدین وسیله کشوری که به عضویت این معاهده درمی‌آید، صلاحیت قضائی دادگاه را نسبت به جرائم مندرج در ماده ۵ می‌پذیرد.
- ۲) دادگاه ممکن است در صورت تحقق شرایط مندرج در ماده ۱۳، بند (الف) یا (ج)، اگر یک یا چند تا از کشورهای ذیل عضو این معاهده باشند یا صلاحیت قضائی دادگاه را بر طبق بند ۳ پذیرفته باشند، صلاحیت قضایی خود را اعمال نماید:
- الف) اگر عمل مورد نظر در قلمرو آن کشور، و یا اگر جرم مربوطه بر روی کشتی یا هواپیمای کشوری که کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است صورت بگیرد؛
- ب) کشوری که شخص متهم به ارتکاب جرم، تبعه آن باشد.
- ۳) در صورتیکه رضایت کشوری که عضو این معاهده نیست بر طبق بند ۲ مورد نیاز باشد، کشور مزبور می‌تواند با تحویل اظهارنامه خود به مسئول ثبت دادگاه، صلاحیت قضائی دادگاه نسبت به جرم مورد بحث را قبول نماید. کشور قبول کننده باید بدون هیچ گونه تأخیر یا استثناء، بر طبق مفاد بخش ۹، با دادگاه همکاری نماید.

ماده ۱۳

اعمال صلاحیت قضائی

- دادگاه می‌تواند بر طبق مقررات این معاهده نسبت به جرائم مندرج در ماده ۵ صلاحیت قضائی خود را اعمال نماید اگر:
- الف) در شرایطی که یک یا چند مورد از جنایاتی که به نظر می‌آید صورت گرفته است، توسط کشور عضو مطابق با ماده ۱۴ به دادستان ارجاع شود؛
- ب) در شرایطی که یک یا چند مورد از این جنایاتی که به نظر می‌آید صورت گرفته است، توسط شورای امنیت براساس صلاحیت‌های داده شده فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به دادستان ارجاع شده باشند؛ یا
- ج) اگر دادستان در مورد چنین جنایتی بر طبق ماده ۱۵ شروع به تحقیقات کرده باشد.

ارجاع یک مورد به وسیله کشور عضو

- ۱) کشور عضو می‌تواند موردی را به دادستان ارجاع نماید که در آن به نظر می‌رسد یک یا چند جنایت در حوزه صلاحیت دادگاه واقع شده باشد، و از دادستان تقاضا نماید به منظور تشخیص اینکه آیا یک یا چند شخص بخصوص باید به ارتکاب این جنایات متهم شوند، تحقیق کند.
- ۲) موردی که به دادگاه ارجاع می‌شود باید تا حد امکان شرایط مربوطه را تشریح نماید و تا آنجا که در دسترس کشور ارجاع کننده دعوی باشد مدارک و شواهد مؤید ادعا را در پرونده ضمیمه نماید.

دادستان

- ۱) دادستان می‌تواند بر اساس اطلاعات موجود در باره جنایاتی که در محدوده صلاحیت قضائی دادگاه است، به صلاحدید خود شروع به انجام تحقیقات نماید.
- ۲) دادستان باید میزان اعتبار اطلاعات دریافت شده را تجزیه و تحلیل نماید. بدین منظور، وی می‌تواند از دولت‌ها، نهادهای سازمان ملل متحد، سازمان‌های میان دولتی یا غیر دولتی، یا دیگر منابع مطمئن که وی مناسب بداند، درخواست اطلاعات بیشتر نماید، و می‌تواند در مقر دادگاه، شهادت کتبی یا شفاهی دریافت کند.
- ۳) اگر دادستان به این نتیجه برسد که دلائل موجهی برای ادامه تحقیقات وجود دارد، باید درخواست اجازه انجام تحقیقات را به همراه هر مدرکی که در تأیید این ادعا جمع‌آوری شده، به دادگاه مقدماتی ارسال نماید. قربانیان می‌توانند بر طبق قواعد دادرسی و ادله اثبات دعوی، در مرحله دادگاه مقدماتی، وکیل مدافع داشته باشند.
- ۴) در صورتیکه دادگاه مقدماتی پس از بررسی درخواست و مدارک اثبات دعوی، به این نتیجه برسد که اساس معقولی برای ادامه تحقیقات وجود دارد و دعوی فوق در حوزه صلاحیت دادگاه می‌باشد، می‌تواند اجازه آغاز تحقیقات را صادر کند، بدون آنکه تحقیقات فوق تأثیری بر تصمیمات بعدی دادگاه مبنی بر نحوه دادرسی و قابلیت طرح دعوی داشته باشد.
- ۵) امتناع دادگاه مقدماتی از صدور اجازه تحقیقات نباید مانع از درخواست مجدد دادستان در مراحل بعد برای انجام تحقیقات بر پایه کشف حقایق یا شواهد جدید در باره همان دعوی شود.
- ۶) اگر پس از بازجوئی‌های مقدماتی که در بندهای ۱ و ۲ به آن اشاره شد، دادستان به این نتیجه برسد که اطلاعات ارائه شده، اساس معقولی برای انجام تحقیقات فراهم نمی‌آورد، باید افراد فراهم آورنده اطلاعات را از این موضوع مطلع نماید. این موضوع نباید مانع از ارائه شواهد بیشتر به دادستان در باره همان دعوی، به دلیل کشف حقایق یا شواهد جدید شود.

تعویق بازجوئی یا دادرسی

بر اساس این معاهده شورای امنیت می‌تواند با تصویب قطعنامه‌ای بر طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد از دادگاه درخواست نماید که هیچ‌گونه تحقیقات یا دادرسی برای مدت ۱۲ ماه آغاز نشود و یا ادامه نیابد؛ این درخواست می‌تواند با شرایط مشابه توسط شورا تکرار گردد.

موضوعات مربوط به قابلیت طرح دعوی

(۱) با توجه به بند ۱۰ مقدمه و ماده ۱، دادگاه می‌تواند تعیین نماید که در صورت وجود شرایط ذیل دعوی در دادگاه قابل طرح نیست:

(الف) پرونده توسط کشوری که نسبت به آن صلاحیت قضایی دارد درحال تحقیق یا دادرسی است، مگر آنکه کشور فوق حقیقتاً مایل یا قادر به انجام تحقیقات یا دادرسی نباشد؛

(ب) تحقیقات پرونده توسط کشوری که نسبت به دعوی مزبور، صلاحیت قضایی دارد، انجام شده و این کشور تصمیم گرفته شخص مورد نظر را تحت پیگرد قرار ندهد، مگر آنکه این تصمیم حقیقتاً ناشی از عدم تمایل یا عدم توانائی کشور اقامه کننده دعوی باشد.

(ج) شخص تحت پیگرد قبلاً برای عملی که موضوع شکایت است، محاکمه گردیده، و محاکمه وی توسط دادگاه هم به موجب ماده ۲۰، بند ۳ مجاز نمی‌باشد.

(د) موضوع از اهمیت لازم برخوردار نیست تا انجام اقدامات بیشتر را توجیه نماید.

(۲) برای تشخیص عدم تمایل در یک دعوی بخصوص، دادگاه باید با توجه به اصول تشریفات حقوقی که توسط حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده، تصمیم بگیرد آیا یک یا چند مورد از موارد زیر در باره دعوی مطروحه صدق پیدا می‌کند یا خیر:

(الف) مراحل دادرسی در حال انجام بوده یا هست، یا تصمیمی در سطح ملی به منظور محافظت شخص مورد نظر از مسئولیت کیفری در ارتباط با جنایاتی که در حیطه صلاحیت دادگاه است که در ماده ۵ از آنها نام برده شد، اتخاذ گردیده است؛

(ب) تأخیر غیر قابل توجیهی در مراحل دادرسی وجود داشته که با توجه به شرایط موجود، با هدف اجرای عدالت در باره فرد مورد نظر، همخوانی و مطابقت ندارد؛

(ج) مراحل دادرسی به طور مستقل یا بدون جانبداری انجام نشده یا نمی‌شود، و این مراحل به گونه‌ای اجرا شده یا می‌شوند که با توجه به شرایط موجود، با هدف اجرای عدالت در باره شخص مورد نظر، منافات دارد؛

(۳) به منظور تشخیص عدم توانائی در یک دعوی بخصوص، دادگاه باید بررسی کند که آیا کشور مورد بحث به علت از هم پاشی کلی یا بخش عمده دستگاه قضایی آن کشور، یا عدم موجودیت دستگاه قضائی ملی‌اش، قادر به دستگیری متهم، یا به دست آوردن مدارک و شهود لازم و یا اجرای مراحل دادرسی می‌باشد یاخیر.

آراء مقدماتی در مورد قابلیت طرح دعوی

- (۱) هرگاه دعوایی به موجب مفاد ماده ۱۳(الف) به دادگاه ارجاع گردد و دادستان تشخیص دهد که اساس معقولی برای شروع تحقیقات وجود دارد، یا دادستان بر اساس مواد ۱۳(ج) و ۱۵ تحقیقاتی را آغاز نماید، دادستان باید تمام کشورهای عضو و همچنین با توجه به اطلاعات موجود، تمام کشورهایی که معمولاً بر روی جرائم مورد نظر، احراز صلاحیت قضائی می کنند را از موضوع مطلع نماید. دادستان می تواند این کشورها را به طور محرمانه از جریان مطلع نماید، و در صورتی که دادستان برای محافظت افراد، پیشگیری از تخریب شواهد و مدارک، یا جلوگیری از فرار اشخاص لازم بداند می تواند میزان اطلاعاتی که در اختیار کشورها قرار می دهد را محدود نماید.
- (۲) کشور می تواند ظرف یک ماه از دریافت ابلاغیه، دادگاه را مطلع نماید که اتباع خود یا دیگر افرادی که در قلمرو قضائی آن کشور قرار دارند و متهم به ارتکاب جنایات مندرج در ماده ۵ و اطلاعات ارائه شده در ابلاغیه دادگاه به کشورها می باشد را مورد بازجویی قرار داده یا در حال بازجویی از آنها می باشد. در صورت تقاضای کشور مزبور، دادستان باید تحقیقات در باره افراد یاد شده را به تعویق بیندازد مگر آنکه دادگاه مقدماتی بنا به درخواست دادستان اجازه صدور تحقیقات را بدهد.
- (۳) دادستان می تواند شش ماه پس از تاریخ درخواست تعویق تحقیقات، یا هر زمان دیگری که بنا بر عدم تمایل یا عدم توانائی واقعی کشور برای انجام تحقیقات، تغییر قابل ملاحظه ای در شرایط آن کشور به وجود بیاید، در مورد تعویق تحقیقات تجدید نظر کند.
- (۴) کشور ذربط یا دادستان می توانند بر طبق ماده ۸۲ علیه حکم دادگاه مقدماتی در دادگاه تجدیدنظر درخواست تجدیدنظر کنند. تجدید نظر می تواند سریعاً مورد بررسی قرار گیرد.
- (۵) هرگاه دادستان با توجه به بند ۲ انجام تحقیقات را به تعویق اندازد، می تواند از کشور مربوطه درخواست کند وی را مرتباً از جریان پیشرفت تحقیقات آن پرونده و جریان دادرسی های بعدی مطلع نماید. کشورهای عضو باید بدون تأخیر غیر موجه، به چنین درخواست هایی پاسخ دهند.
- (۶) اگر پرونده ای نزد دادگاه مقدماتی بلامتکلیف باقی مانده باشد و یا هر موقع که دادستان بر اساس این ماده تحقیقات را به بعد موکول کرده باشد، دادستان می تواند بنا به دلائل استثنائی برای انجام تحقیقات لازم به منظور حفظ شواهد، یعنی هنگامی که فرصتی استثنائی برای کسب یک مدرک مهم یا خطری جدی برای از دست دادن چنین مدرکی در آینده وجود دارد، از دادگاه مقدماتی کسب اجازه نماید.
- (۷) کشوری که رأی صادره توسط دادگاه مقدماتی را با توجه به این ماده مورد اعتراض قرار داده است می تواند نسبت به قابلیت طرح پرونده نیز بر اساس ماده ۱۹ و به دلیل وجود دیگر واقعیتهای قابل توجه یا وقوع تغییرات مهم در شرایط پرونده، اعتراض کند.

موارد اعتراض به صلاحیت قضایی دادگاه یا قابلیت طرح پرونده

- (۱) دادگاه باید حوزه صلاحیت قضایی خود در ارتباط با هر پرونده‌ای که به آن ارجاع می‌شود، را ارزیابی کند. دادگاه می‌تواند بنا به خواست خود، قابلیت طرح پرونده را بر طبق ماده ۱۷ تعیین نماید.
- (۲) اعتراض نسبت به قابلیت طرح یک دعوی به موجب دلائل مندرج در ماده ۱۷ یا اعتراض نسبت به صلاحیت قضایی دادگاه می‌تواند به وسیله هر یک از مراجع زیر مطرح شود:
 - الف) شخص متهم یا فردی که بر اساس ماده ۵۸ برای وی حکم جلب یا احضاریه صادر گردیده است؛
 - ب) کشوری که نسبت به پرونده صلاحیت قضائی دارد، به این دلیل که این کشور پرونده فوق را تحقیق یا دادرسی می‌کند و یا کرده است؛ یا
 - ج) کشوری که پذیرش صلاحیت قضایی دادگاه نسبت به آن با توجه به ماده ۱۲ الزامی باشد.
- (۳) دادستان می‌تواند از دادگاه در مورد صلاحیت قضائی یا قابلیت طرح دعوی درخواست حکم کند. در جریان دادرسی‌های مربوط به صلاحیت قضائی یا قابلیت طرح دعوی، آنانی که این مورد را با توجه به ماده ۱۳ ارجاع کرده‌اند و هم قربانیان مجاز می‌باشند مشاهدات خود را به دادگاه ارائه کنند.
- (۴) قابلیت طرح یک پرونده یا صلاحیت دادگاه می‌تواند فقط یک بار توسط یک شخص یا دولتی که در بند ۲ به آن اشاره شد، مورد اعتراض قرار بگیرد. این اعتراض باید پیش از آغاز محاکمه و یا در شروع آن صورت بگیرد. در شرایط استثنائی دادگاه ممکن است اجازه دهد که چنین اعتراضی بیش از یک بار مطرح گردد و یا زمان طرح آن دیرتر از شروع محاکمه باشد. اعتراض نسبت به قابلیت طرح دعوی، چه در شروع محاکمه باشد، و چه در صورت اجازه دادگاه متعاقب آن باشد فقط می‌تواند بر اساس ماده ۱۷، بند ۱ (ج) صورت بگیرد.
- (۵) کشوری که در بند ۲ (ب) و (ج) به آن اشاره شد، باید در اولین فرصت ممکن اعتراض خود را ارائه دهد.
- (۶) اعتراض نسبت به قابلیت طرح پرونده یا جرح نسبت به صلاحیت دادگاه اگر پیش از تأیید اتهامات صورت بگیرد باید به دادگاه مقدماتی ارجاع شود. پس از تأیید اتهامات، اینگونه اعتراضات باید به دادگاه بدوی ارجاع شوند. می‌توان نسبت به تصمیمات راجع به صلاحیت دادگاه یا قابلیت طرح دعوی در دادگاه تجدیدنظر، بر طبق ماده ۸۲ تقاضای تجدیدنظر نمود.
- (۷) اگر اعتراضی توسط یکی از کشورهای مذکور در بند ۲ (ب) یا (ج) صورت گیرد، دادستان باید تا زمانی که دادگاه بر طبق ماده ۱۷ تصمیم بگیرد، تحقیقات را به حال تعلیق درآورد.
- (۸) اگر موضوع هنوز در دادگاه در دست رسیدگی است، دادستان می‌تواند در موارد ذیل از دادگاه کسب اجازه نماید:
 - الف) برای ادامه مراحل تحقیقی لازم از قبیل مواردی که در بند ۶ ماده ۱۸ ذکر گردید؛
 - ب) گرفتن اظهارنامه یا شهادتنامه از شهود یا تکمیل و بررسی مجموعه‌ای از شواهد که انجام آن پیش از اعتراض آغاز شده است؛ و
 - ج) در همکاری با کشورهای ذیربط، برای پیشگیری از فرار اشخاصی که دادستان قبلاً بر طبق ماده ۵۸ برای آنان درخواست حکم جلب نموده است.

۹) دادن اعتراض نباید بر روی اعتبار هر اقدامی که توسط دادستان انجام شده و یا بر روی هر حکم یا قراری که پیش از ارائه اعتراض توسط دادگاه صادر شده، تأثیر بگذارد.

۱۰) در صورتیکه دادگاه تصمیم بگیرد که پرونده بر طبق ماده ۱۷ قابل طرح در دادگاه نیست، دادستان می‌تواند

در صورت حصول اطمینان کامل از وجود حقایق جدید الظهوری که سبب ابطال دلائل سابق برای عدم قابلیت

طرح دعوی بر طبق ماده ۱۷ می‌شود، درخواستی برای تجدید نظر در تصمیم متخذه، ارائه نماید.

۱۱) اگر دادستان با توجه به موضوعات یاد شده در ماده ۱۷، تحقیقات را معوق بگذارد، دادستان می‌تواند از کشور

مربوطه درخواست نماید تا اطلاعات لازم در باره مراحل دادرسی را در اختیار وی قرار دهد. این اطلاعات بنا

به درخواست کشور ذیربط باید محرمانه باقی بماند. اگر دادستان سپس تصمیم به ادامه تحقیقات بگیرد، باید به

کشوری که در باره آن تعویق دادرسی صورت گرفته، اطلاع دهد.

ماده ۲۰

عدم محاکمه مضاعف برای ارتکاب جرم واحد

۱) به جز مواردی که در این اساسنامه مقرر گردیده، هیچ شخصی نباید در ارتباط با عملی که اساس جرمی بوده

که فرد به اتهام ارتکاب آن عمل در دادگاه محکوم و یا تبرئه گردیده است، در برابر این دادگاه محاکمه

گردد.

۲) هیچ شخصی نباید برای جرائمی که در ماده ۵ به آنها اشاره شد و قبلاً به اتهام ارتکاب آنها توسط دادگاهی

محکوم یا تبرئه گردیده است، مجدداً محاکمه گردد.

۳) هیچ شخصی که توسط دادگاهی دیگر برای عملی مورد محاکمه قرار گرفته که آن عمل بر طبق مواد ۶، ۷، و

۸ هم جرم تلقی شده، نباید توسط دادگاه برای ارتکاب همان عمل مورد محاکمه قرار گیرد، مگر آنکه مراحل

دادرسی در دادگاه دیگر:

الف) به منظور محافظت از شخص ذیربط در برابر مسئولیت کیفری برای جرائمی که در حیطه قضائی این

دادگاه است صورت گرفته باشد؛ یا

ب) مستقلاً یا بیطرفانه و بر طبق معیارهای تشریفات حقوقی شناخته شده توسط حقوق بین‌الملل اجرا نشده

است و به صورتی به اجرا درآمده که با توجه به شرایط موجود، همخوانی و تطابق با قصد اجرای عدالت در

مورد فرد ذیربط نداشته است.

ماده ۲۱

قوانین حاکم

۱) دادگاه قوانین ذیل را به کار خواهد گرفت:

الف) در درجه اول، این اساسنامه، عناصر جرم و آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی؛

ب) در درجه دوم، در صورت مناسبت، معاهدات و اصول و مقررات قابل اعمال حقوق بین‌الملل، از قبیل

اصول پذیرفته شده حقوق بین‌الملل در مورد منازعات مسلحانه؛

ج) در صورت عدم امکان به کار گیری قوانین فوق، اصول کلی حقوقی که توسط دادگاه از قوانین ملی دستگاه های حقوقی جهان در موارد مربوطه، استخراج گردیده است، از قبیل قوانین ملی کشورهایی که معمولاً بر روی این نوع جرایم اعمال صلاحیت می کنند، مشروط بر آنکه آن اصول تناقضی با این اساسنامه و با حقوق بین الملل و معیارها و استانداردهای شناخته شده جهانی نداشته باشند.

۲) دادگاه می تواند اصول و مقررات حقوقی را به شکلی که در تصمیمات قبلی اش تعبیر گردیده، به کار بندد.

۳) تطبیق و تفسیر قوانین به موجب این ماده، باید با قوانین شناخته شده بین المللی حقوق بشر مطابقت داشته و بدون هر گونه تبعیض و تعارض منبعث از دلایلی چون جنسیت آنطور که در ماده ۷، بند ۳ تعریف شده، سن، نژاد، رنگ، زبان، مذهب یا عقیده، عقاید سیاسی و غیره، منشاء ملی، قومی یا اجتماعی، ثروت، وضعیت تولد یا امثالهم صورت گیرد.

بخش سوم. اصول کلی حقوق جنائی

ماده ۲۲

قانون کیفری را نمی‌توان عطف به ما سبق نمود

- (۱) هیچ شخصی بر طبق این اساسنامه، از جهت کیفری مسئول نخواهد بود مگر آنکه عمل مورد بحث، در زمان وقوعش جنایتی محسوب شود که در حوزه صلاحیت این دادگاه می‌باشد.
- (۲) جنایت باید محدود تفسیر گردد و نباید با قیاس تعمیم یابد. در صورت ابهام، این تعریف باید در جهت منافع شخصی که در حال بازجوئی یا دادرسی است یا محکومیت قرار دارد تعبیر گردد.
- (۳) این ماده خصوصیات هیچ عملی را که مستقل از این اساسنامه و حقوق بین‌الملل جرم محسوب شده، جرم تلقی نمی‌کند.

ماده ۲۳

عدم مجازات بدون وجود قانون

شخص محکوم توسط این دادگاه فقط بر اساس این اساسنامه مجازات می‌شود.

ماده ۲۴

عدم معطوف کردن قانون به ما سبق

- (۱) هیچ شخصی بر طبق این اساسنامه برای انجام عملی که قبل از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه صورت گرفته باشد، مسئولیت کیفری نخواهد داشت.
- (۲) در صورتی که پیش از زمان صدور حکم نهائی در مورد یک دعوی مطروحه، تغییری در قانون حاکم بر آن رخ دهد، قانونی که بیشتر در جهت حفظ منافع شخص در حال بازجوئی، دادرسی، یا محکومیت باشد تطبیق خواهد شد.

ماده ۲۵

مسئولیت کیفری فردی

- (۱) دادگاه به موجب این اساسنامه نسبت به اشخاص حقیقی صلاحیت قضایی دارد.
- (۲) شخصی که در محدوده صلاحیت قضائی دادگاه مرتکب جنایتی می‌شود، شخصاً مسئول و مشمول مجازات به موجب این اساسنامه خواهد شد.

(۳) بر طبق این اساسنامه یک شخص برای جرمی که در حوزه صلاحیت قضائی این دادگاه است در صورتی مقصر است و مسئولیت کیفری خواهد داشت که:

الف) مرتکب چنین جرمی شود، چه شخصاً و چه مشترکاً، با شخص دیگر یا از طریق شخصی دیگر، صرف نظر از اینکه آن فرد دیگر از جهت کیفری مسئول است یا خیر؛

ب) فرمان، تحریک و تشویق و ترغیب به ارتکاب چنین جرمی که در واقع رخ دهد و یا مبادرت به انجام آن صورت گیرد؛

ج) به منظور تسهیل ارتکاب چنین جرمی، کمک نماید، مشارکت کند یا در ارتکاب یا در مبادرت به ارتکاب آن، مساعدت نماید، از جمله اسباب ارتکاب جرم را فراهم آورد؛

د) به هر طریق دیگری به ارتکاب یا مبادرت به ارتکاب چنین جرمی توسط گروهی از افراد که با مقصدی مشترک عمل می کنند، مشارکت نماید. این مشارکت باید تعمدی باشد و؛

۱- با هدف تحقق بخشیدن به عمل جنایی یا هدف جنائی آن گروه انجام گیرد، و چنین عمل و هدفی با ارتکاب جنایتی صورت گیرد که در حوزه صلاحیت قضائی این دادگاه قرار دارد؛ یا

۲- با علم به قصد آن گروه برای ارتکاب به این جنایت انجام شده باشد؛

هـ) در مورد جنایت نسل کشی دیگران را به ارتکاب نسل کشی مستقیماً و علناً تحریک نماید؛

و) مبادرت به ارتکاب چنین جنایتی از طریق انجام اقداماتی که گام های عمده در راستای تحقق جرم به حساب آید، اما جنایت به علت شرایطی جدا از مقاصد شخص، اتفاق نیافتد. اما، شخصی که از تلاش در جهت ارتکاب جرم دست می کشد، یا از تحقق جنایت جلوگیری می نماید، در صورتی که به طور کامل و به صورت داوطلبانه این مقاصد جنائی را کنارگذارد، به موجب این اساسنامه مشمول مجازات نخواهد شد.

(۴) هیچ یک از مقررات این اساسنامه که مربوط به مسئولیت کیفری فردی است نباید بر مسئولیتی که دولت ها بر اساس حقوق بین الملل دارند، تأثیر بگذارد.

ماده ۲۶

عدم صلاحیت قضائی دادگاه نسبت به افراد کمتر از هجده سال

دادگاه نسبت به اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال داشته باشند، هیچ گونه صلاحیت قضائی ندارد.

ماده ۲۷

بی اهمیت بودن تصدی مقام رسمی

(۱) این اساسنامه بر همه افراد به طور یکسان و بدون تمایز بر اساس تصدی یک مقام رسمی قابل تطبیق است. خصوصاً تصدی سمت های رسمی از قبیل رهبر یک کشور یا دولت، عضو دولت یا پارلمان، نماینده منتخب یا

مقام رسمی دولتی، تحت هیچ شرایطی نمی تواند شخص را از مسئولیت کیفری معاف سازد و نمی تواند به خودی خود و فی نفسه مبنائی برای تخفیف مجازات فراهم سازد.

۲) مصونیت ها یا مقررات آئین نامه ای بخصوص که ممکن است بخشی از تصدی یک سمت رسمی براساس قوانین ملی و یا قوانین بین المللی را تشکیل دهد، نمی تواند مانع اعمال صلاحیت قضایی دادگاه نسبت به چنین شخصی شود.

ماده ۲۸

مسئولیت فرماندهان و دیگر مقامات ارشد

علاوه بر دلائل دیگر برای مسئولیت کیفری در قبال جنایاتی که در قلمرو قضائی این دادگاه قرار دارد: الف) یک فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً در مقام یک فرمانده نظامی عمل می کند، از جهت کیفری برای جنایاتی که در حوزه صلاحیت دادگاه قرار دارد، چه توسط نیروهای که تحت کنترل و فرماندهی موثر وی قرار دارد و چه توسط نیروهای که تحت اختیار و کنترل وی قرار دارد، و چه، در نتیجه عدم توانائی وی برای اعمال کنترل لازم بر چنین نیروهائی صورت بگیرد، در صورت وجود شرایط ذیل، از جهت کیفری مسئول خواهد بود:

۱- فرمانده نظامی یا شخص مزبور یا می دانست و یا با توجه به شرایط آن وقت باید می دانست که نیروهای وی مرتکب چنین جنایتی می شوند و یا در آستانه ارتکاب چنین جنایتی قرار دارند؛ و
۲- فرمانده نظامی یا شخص مزبور کلیه اقدامات لازم و معقول را که در توان او بوده برای جلوگیری یا متوقف ساختن ارتکاب این جرائم، به کار نبسته یا موضوع را برای تحقیق و پیگرد به مقامات ذیصلاح ارجاع ننموده است.

ب) در مورد روابط مافوق و مادون که در بند الف) شرح داده نشده، مقام ارشد از نظر کیفری برای جنایاتی که در قلمرو قضائی این دادگاه قرار می گیرند و توسط افراد زیردست و تسلط وی صورت می گیرد، به خاطر عدم توانائی اش در اعمال کنترل صحیح بر زیردستان مسئول خواهد بود اگر:

۱- شخص مافوق از اطلاعاتی که به وضوح دلالت بر آن داشته که زیردستانش در حال ارتکاب اینگونه جنایات هستند یا به زودی مرتکب چنین جنایاتی خواهند شد، مطلع بوده یا اینکه آگاهانه به این اطلاعات اعتنا نکرده است؛
۲- جنایات مربوط به فعالیت هائی بوده اند که تحت مسئولیت و کنترل مستقیم مقام ارشد قرار داشته اند؛ و
۳- شخص مافوق کلیه اقدامات لازم و معقول را که در توان او بوده برای جلوگیری یا متوقف ساختن ارتکاب این جرائم، به کار نبسته یا موضوع را برای تحقیق و پیگرد به مقامات ذیصلاح ارجاع ننموده است.

ماده ۲۹

عدم شمول قاعده مرور زمان

جنایات تحت صلاحیت قضائی دادگاه، شامل هیچ نوع قاعده مرور زمان نمی شوند.

عناصر فکری

- (۱) شخص برای جنایاتی که در حوزه صلاحیت این دادگاه است تنها در صورتی از جهت کیفری مسئول و مقصر خواهد بود که با قصد و علم مرتکب عناصر مادی جرم گردد، مگر در مواردی که غیر آن قید شده باشد.
- (۲) برای مقاصد به کار رفته در این ماده، در صورتی شخص قصد انجام عملی را دارد که:
 - الف) در ارتباط با آن عمل، مقصود شخص، دست زدن به آن عمل باشد؛
 - ب) در ارتباط با نتیجه آن عمل، مقصود شخص حصول آن نتیجه باشد یا اینکه عمل مورد نظر در جریان عادی وقایع صورت خواهد گرفت.
- (۳) برای مقاصد به کار رفته در این ماده، «علم به موضوع» به معنای آگاهی از وجود شرایط یا از وقوع نتایجی در طی جریان عادی وقایع است. عبارات «مطلع بودن» و «آگاهانه» باید بر طبق این توضیح، تفسیر گردد.

دلایل عدم شمول مسئولیت کیفری

- (۱) علاوه بر دلایل دیگر برای عدم شمول مسئولیت کیفری که در این اساسنامه ذکر گردیده است، شخص از نظر کیفری مسئول نخواهد بود اگر در هنگام ارتکاب عمل:
 - الف) شخص به بیماری یا نقص ذهنی مبتلاست که توانایی او را برای درک غیر قانونی بودن یا طبیعت عمل وی زائل می‌سازد یا امکان تسلط بر اعمالش به طوری که با الزامات قانونی تطابق داشته باشد را از وی می‌گیرد؛
 - ب) شخص در یک حالت مستی و تخدیر است که قابلیت وی را برای درک غیر قانونی بودن یا چگونگی عمل وی زائل می‌سازد یا امکان تسلط بر اعمالش به طوریکه با الزامات قانونی تطابق داشته باشد را از وی می‌گیرد، مگر آنکه شخص داوطلبانه و در شرایطی خود را تحت تأثیر مواد سکرآور قرار داده که می‌دانسته یا نسبت به این خطر بی‌اعتنا بوده است که در نتیجه مصرف مسکرات، وی احتمالاً دست به اعمالی خواهد زد که در حوزه صلاحیت این دادگاه، جرم محسوب خواهد شد؛
 - ج) شخص به طور معقولی در دفاع از خود یا فرد دیگر عمل می‌کند یا، در مورد جنایات جنگی از اموالی دفاع می‌کند که برای بقای خود او یا فرد دیگر یا به انجام رساندن یک مأموریت نظامی، و در مقابل استفاده قریب‌الوقوع و غیر قانونی از زور، حیاتی است، و این دفاع با میزان خطری که شخص یا فرد دیگر یا اموال محافظت شده را تهدید می‌کند، متناسب است. این واقعیت که شخص در یک عملیات دفاعی درگیر شده که در آن از زور استفاده گردیده، به خودی خود دلیلی برای عدم شمول مسئولیت کیفری بر طبق این تبصره نمی‌شود؛
 - د) عملی که ادعا می‌شود جنایتی است که در حوزه صلاحیت این دادگاه قرار دارد، در اثر فشار ناشی از تهدید مرگ قریب‌الوقوع یا در اثر آسیب‌های جسمانی مداوم یا قریب‌الوقوع علیه آن شخص یا شخص دیگر واقع گردیده و آن شخص هم به جهت اجتناب از این تهدید، به طور معقول و لازم عمل نموده است، به شرط آنکه

شخص قصد نداشته باشد سبب رساندن آسیبی بزرگتر از آنچه که می‌خواهد از آن اجتناب نماید، بشود. چنین تهدیدی ممکن است:

- ۱- از جانب افراد طرف مقابل صورت گیرد؛ یا
 - ۲- در نتیجه شرایط دیگری که خارج از تسلط آن شخص بوده است، حاصل شود.
- ۲) دادگاه قابلیت اعمال دلائل عدم شمول مسئولیت کیفری را در مورد دعوی مطروحه، بر طبق مفاد این اساسنامه تعیین خواهد کرد.
- ۳) در هنگام محاکمه، دادگاه ممکن است دلیل دیگری را به جز آنچه در بند ۱ به آن اشاره شد، برای عدم شمول مسئولیت کیفری در نظر بگیرد که در این صورت چنین دلیلی با توجه به قانون حاکم به شرحی که در ماده ۲۱ بیان گردید، حصول یافته است. قواعد مربوط به ارزیابی چنین دلیلی، در بخش آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی قید خواهد شد.

ماده ۳۲

اشتباه در درک واقعیت یا اشتباه در قانون

- ۱) اشتباه در درک واقعیت تنها در صورتی سبب عدم مسئولیت کیفری خواهد شد که عامل فکری لازم برای ارتکاب جنایت را منتفی کند.
- ۲) اشتباه در قانون از آن جهت که آیا این عمل بخصوص در حوزه صلاحیت دادگاه جنایت محسوب می‌شود یا خیر، نمی‌تواند باعث عدم مسئولیت کیفری گردد. اما اشتباه در قانون در صورتی که عامل فکری لازم برای ارتکاب جنایت را منتفی نماید، یا به طریقی صورت گیرد که در ماده ۳۳ بیان گردیده است، می‌تواند دلیلی برای عدم مسئولیت کیفری گردد.

ماده ۳۳

فرمان‌های مقام ارشد و توصیه قانون

- ۱) این واقعیت که جنایتی که در حوزه صلاحیت دادگاه قرار دارد، متعاقب فرمان دولت یا یک مقام ارشد، چه نظامی و چه غیر نظامی، توسط شخص انجام شده، آن شخص را از مسئولیت کیفری اش مبرا نمی‌سازد، مگر آنکه:
 - الف) شخص قانوناً متعهد به اطاعت از فرمان‌های دولت یا مقام ارشد مزبور باشد؛
 - ب) شخص از غیرقانونی بودن فرمان مربوطه با خبر نبوده است؛ و
 - ج) این فرمان ظاهراً، غیر قانونی نبود.
- ۲) برای مقاصد به کار رفته در این ماده، فرمان به ارتکاب نسل کشی یا جنایت علیه بشریت به وضوح غیر قانونی هستند.



متن اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم
بخش چهارم تا ششم

ترجمه از مرکز اسناد حقوق بشر ایران

آدرس:

Iran Human Rights Documentation Center
129 Church Street, Suite 304
New Haven, CT 06510, USA

تلفن: ۷۷۲-۲۲۱۸ (۲۰۳)

فکس: ۷۷۲-۱۷۸۲ (۲۰۳)

پست الکترونیکی: info@iranhrdc.org

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

فهرست

- بخش چهارم. ترکیب و نحوه مدیریت دادگاه..... ۳
- ماده ۳۴. تشکیلات دادگاه..... ۳
- ماده ۳۵. نحوه خدمت قضات..... ۳
- ماده ۳۶. میزان صلاحیت، نحوه معرفی و انتخاب دادرسان..... ۳
- ماده ۳۷. پستهای قضایی بلا تصدی..... ۶
- ماده ۳۸. ریاست دادگاه..... ۶
- ماده ۳۹. شعبه‌های دادگاه..... ۷
- ماده ۴۰. استقلال قضات..... ۷
- ماده ۴۱. معافی و سلب صلاحیت از قضات..... ۸
- ماده ۴۲. دفتر دادستان..... ۸
- ماده ۴۳. اداره ثبت..... ۱۰
- ماده ۴۴. کارکنان..... ۱۰
- ماده ۴۵. ادای سوگند رسمی..... ۱۱
- ماده ۴۶. اخراج از کار..... ۱۱
- ماده ۴۷. اقدامات انضباطی..... ۱۲
- ماده ۴۸. امتیازات و مصونیتها..... ۱۲
- ماده ۴۹. حقوق، مزایا و مخارج..... ۱۳
- ماده ۵۰. زبانهای رسمی و کاری..... ۱۳
- ماده ۵۱. آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی..... ۱۳
- ماده ۵۲. مقررات دادگاه..... ۱۴
- بخش پنجم. تحقیقات و دادرسی..... ۱۴
- ماده ۵۳. آغاز مرحله تحقیقات..... ۱۴
- ماده ۵۴. وظایف و اختیارات دادستان در ارتباط با تحقیقات..... ۱۵
- ماده ۵۵. حقوق اشخاص طی انجام تحقیقات..... ۱۶
- ماده ۵۶. نقش دادگاه مقدماتی در ارتباط با فرصتهای تحقیقاتی منحصر به فرد..... ۱۷
- ماده ۵۷. وظایف و اختیارات دادگاه مقدماتی..... ۱۸
- ماده ۵۸. صدور حکم جلب یا احضاریه دادگاه توسط دادگاه مقدماتی..... ۱۹
- ماده ۵۹. تشریفات حقوقی مربوط به دستگیری در کشور محل بازداشت..... ۲۱
- ماده ۶۰. تشریفات حقوقی اولیه در برابر دادگاه..... ۲۲

ماده ۶۱. تأیید اتهامات پیش از محاکمه.....	۲۲
بخش ششم. محاکمه.....	۲۴
ماده ۶۲. محل محاکمه.....	۲۴
ماده ۶۳. محاکمه در حضور شخص متهم.....	۲۴
ماده ۶۴. وظایف و اختیارات دادگاه بدوی.....	۲۵
ماده ۶۵. مراحل دادرسی مربوط به اعتراف به جرم.....	۲۶
ماده ۶۶. اصل برائت.....	۲۷
ماده ۶۷. حقوق متهم.....	۲۷
ماده ۶۸. محافظت از قربانیان و شهود و مشارکت آنها در مراحل دادرسی.....	۲۸
ماده ۶۹. ادله اثبات دعوی.....	۲۹
ماده ۷۰. تخلفات مربوط به اجرای عدالت.....	۳۰
ماده ۷۱. تحریمهای مربوط به بدرفتاری در برابر دادگاه.....	۳۱
ماده ۷۲. حفظ اطلاعات امنیت ملی.....	۳۱
ماده ۷۳. اطلاعات یا اسناد مربوط به شخص ثالث.....	۳۳
ماده ۷۴. ملزومات صدور رأی.....	۳۳
ماده ۷۵. جبران خسارت قربانیان.....	۳۴
ماده ۷۶. تعیین مجازات.....	۳۵

بخش چهارم. ترکیب و نحوه مدیریت دادگاه

ماده ۳۴

تشکیلات دادگاه

دادگاه متشکل از نهادهای زیر خواهد بود:

- الف) ریاست دادگاه؛
- ب) یک دادگاه تجدیدنظر، یک دادگاه بدوی و یک دادگاه مقدماتی؛
- ج) اداره دادستانی؛
- د) اداره ثبت.

ماده ۳۵

نحوه خدمت قضات

- ۱) تمام قضات به عنوان اعضاء تمام وقت دادگاه انتخاب گردیده و باید بر این پایه از شروع دوران تصدی خود آماده به خدمت باشند.
- ۲) قضاتی که بخش ریاست دادگاه را تشکیل می‌دهند باید به محض انتخاب شدن به صورت تمام وقت به کار اشتغال یابند.
- ۳) ریاست دادگاه می‌تواند هر از چندی، بر اساس حجم کار دادگاه و پس از مشورت با اعضاء خود، تصمیم بگیرد که بقیه قضات تا چه اندازه لازم است به صورت تمام وقت خدمت نمایند. چنین ترتیبی باید بدون هیچگونه تعصب نسبت به مقررات مندرج در ماده ۴۰ انجام گیرد.
- ۴) قرارهای مالی برای قضاتی که احتیاج به خدمت تمام وقت آنها نیست مطابق ماده ۴۹ اتخاذ خواهد شد.

ماده ۳۶

میزان صلاحیت، نحوه معرفی و انتخاب دادرسان

- ۱) مطابق مقررات بند ۲، دادگاه باید دارای ۱۸ قاضی باشد.
- ۲) الف) ریاست دادگاه که از جانب دادگاه عمل می‌کند، می‌تواند پیشنهادی مبنی بر افزایش تعداد قضاتی که در بند ۱ ذکر شده ارائه نماید و دلایل ضرورت و صحت این کار را بیان کند. دفتر ثبت باید فوراً پیشنهاد فوق را به تمام کشورهای عضو کتباً اطلاع دهد.

ب) سپس هر نوع پیشنهادی از این قبیل در جلسه مجمع کشورهای عضو که باید مطابق ماده ۱۱۲ تشکیل گردد، مورد بررسی قرار گیرد. اگر پیشنهاد فوق توسط دو سوم آراء اعضاء در جلسه مجمع کشورهای عضو تأیید شود، تصویب شده و از زمانی که مجمع کشورهای عضو تعیین نمایند به اجرا درخواهد آمد.

ج) ۱- هرگاه پیشنهاد افزایش تعداد قضاات، مطابق بند (ب) تصویب شود، انتخاب قضاات اضافه شده باید مطابق بندهای ۳ تا ۸ و نیز ماده ۳۷، بند ۲، در جلسه بعدی مجمع کشورهای عضو انجام گیرد؛

۲- هرگاه پیشنهاد افزایش تعداد قضاات، مطابق بندهای (بی) و (سی) (۱) تصویب و به اجرا گذاشته شد، از آن به بعد هر زمان که حجم کار دادگاه توجیه نماید، ریاست دادگاه می‌تواند پیشنهاد کاهش تعداد قضاات را بدهد، مشروط بر آنکه تعداد قضاات از آنچه که در بند ۱ مشخص شده، کمتر نشود. این پیشنهاد باید مطابق قواعد و اصول مذکور در بندهای (الف) و (ب) مورد رسیدگی قرار گیرد. در صورتی که این پیشنهاد تصویب شود، تعداد قضاات باید به مرور زمان و با به پایان رسیدن دوره خدمتشان به عنوان قاضی، کاهش یابد تا به تعداد لازم برسد.

۳) الف) قضاات باید از میان افرادی انتخاب شوند که دارای شخصیت اخلاقی والایی هستند، از بی‌طرفی و شرافت برخوردار بوده و در کشور مربوطه خود دارای صلاحیت لازم برای انتصاب به عالی‌ترین مناصب قضایی باشند.

ب) کلیه داوطلبان انتخابات برای مناصب این دادگاه باید از شرایط ذیل برخوردار باشند:

۱- دارای صلاحیت رسمی در حقوق جزا و اصول جنایی باشند، و تجارب لازم را چه به عنوان قاضی، دادستان، وکیل مدافع، و چه در سمتهای مشابه دیگر در دادرسی جنایی داشته باشند؛ یا

۲- دارای صلاحیت رسمی در بخشهای مربوط به حقوق بین‌الملل مانند قوانین بشردوستانه بین‌المللی و قوانین حقوق بشر بوده و تجربه وسیعی در حرفه قضاوت که به کارهای قضایی این دادگاه مربوط می‌شود را داشته باشند.

ج) کلیه داوطلبان انتخابات برای مناصب این دادگاه باید معلومات عالی و فصاحت کامل در حداقل یکی از زبانهای مورد استفاده در دادگاه را داشته باشند.

۴) الف) پیشنهاد کردن نامزدها برای کار در دادگاه می‌تواند توسط هر یک از کشورهای عضو این معاهده صورت گیرد و باید به یکی از طرق زیر انجام شود:

۱- از طریق آئین نامه پیشنهاد نامزدها برای انتصاب به عالی‌ترین سمتهای قضایی در کشور مورد نظر؛ یا

۲- از طریق قواعد مخصوص پیشنهاد نامزدها برای دادگاه بین‌المللی لاهه که در اساسنامه آن دادگاه درج گردیده است.

معرفی نامزدها باید به همراه اظهارنامه‌ای حاوی جزئیات لازم باشد که به دقت شرح می‌دهد نامزد مذکور چگونه شروط لازم مندرج در بند ۳ را احراز می‌کند.

ب) هر یک از کشورهای عضو برای هر دور انتخابات می‌توانند یک نامزد معرفی نمایند که لزوماً نباید تبعه آن کشور باشد اما در هر حال باید تبعه یکی از کشورهای عضو باشد.

ج) مجمع کشورهای عضو می‌تواند در صورتی که مناسب باشد تصمیم به تشکیل یک کمیته مشاوره درباره معرفی نامزدها بگیرد. در این صورت، ترکیب و دوره کار این کمیته توسط مجمع کشورهای عضو تعیین خواهد شد.

۵) برای مقاصد مربوط به انتخابات، باید دو فهرست از نامزدها تهیه شود، فهرست «الف» که حاوی نام نامزدهایی است که حائز قابلیت‌های مشخص شده در بند ۳ (ب) (۱) هستند؛ و

فهرست «ب» که شامل نام نامزدهایی است که از صلاحیت‌های یاد شده در بند ۳ (ب) (۲) برخوردار هستند. نامزدی که برای هر دو فهرست دارای صلاحیت کافی باشد می‌تواند انتخاب کند که نام او در کدام فهرست قرار گیرد. در مرحله اول انتخابات، حداقل نه قاضی از فهرست «الف» و حداقل پنج قاضی از فهرست «ب» انتخاب خواهند شد. انتخابات مرحله بعد باید طوری سازمان یابد که بتواند تناسبی مساوی از قضات دارای صلاحیت در هر دو فهرست را تأمین نماید.

۶) الف) قضات باید در جلسه مجمع کشورهای عضو که مطابق ماده ۱۱۲ و به همین منظور تشکیل یافته، با رأی مخفی انتخاب شوند. با در نظر گرفتن بند ۷، افراد برگزیده برای کار در دادگاه باید ۱۸ نامزدی باشند که بالاترین میزان رأی و اکثریت دو سوم رأی اعضاء حاضر کشورهای عضو در رأی گیری را به دست آورده‌اند.

ب) در صورتی که در نخستین دور انتخابات، تعداد قضات انتخاب شده به حد نصاب نرسد، افرادی که به ترتیب دارای تعداد آراء بیشتری بوده‌اند، مطابق مقررات مندرج در تبصره (الف) انتخاب می‌شوند تا کمبود تعداد باقیمانده جبران شود.

۷) دو قاضی تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند تبعه یک کشور باشند. اگر شخصی به منظور عضویت در دادگاه، تبعه بیش از یک کشور محسوب شود، تابعیت آن کشور برای وی محسوب می‌شود که به طور معمول از حقوق مدنی و سیاسی خود در آن کشور استفاده می‌کند.

۸) الف) کشورهای عضو در انتخاب قضات باید نیازهای ذیل را در عضویت دادگاه در نظر بگیرند:

۱- نماد ساختارهای حقوقی عمده در دنیا؛

۲- نماد حضور عادلانه جغرافیایی؛ و

۳- نماد عادلانه حضور قضات زن و مرد.

ب) کشورهای عضو همچنین باید نیاز به دربرداشتن تخصص حقوقی در موضوعات به خصوصی از جمله موضوع خشونت علیه زنان و کودکان و موضوعات حقوقی دیگر، را نیز در نظر بگیرند که البته فقط به این موضوعات محدود نمی‌شود.

۹) الف) با توجه به تبصره (ب)، دوره کار قضات در سمت خود، نه سال می‌باشد و بر اساس تبصره (ج) و ماده ۳۷ بند ۲، نمی‌توانند مجدداً انتخاب شوند.

ب) در نخستین انتخابات، یک سوم قضات به حکم قرعه برای خدمت به مدت سه سال انتخاب می‌شوند، یک سوم دیگر قضات نیز به حکم قرعه انتخاب می‌شوند تا به مدت شش سال خدمت کنند، و افراد باقیمانده برای یک دوره نه ساله خدمت خواهند نمود.

ج) هر قاضی که مطابق تبصره (ب) برای یک دوره خدمت سه ساله انتخاب شده، مجاز است در انتخابات مجدد برای یک دوره کامل خدمت شرکت کند.

۱۰) با وجود قوانین بند ۹، قاضی منصوب به دادگاه بدوی یا دادگاه تجدیدنظر، مطابق با ماده ۳۹ به کار در دادگاه ادامه خواهد داد تا هر محاکمه یا استثنافی که استماع آن قبلاً در این دادگاه آغاز شده است را به اتمام برساند.

ماده ۳۷

پستهای قضایی بلاتصدی

۱) در صورت بلاتصدی ماندن یک پست، انتخاباتی مطابق ماده ۳۶ برگزار خواهد شد تا پست مزبور اشغال شود.

۲) دادرسی که برای اشغال مقام بلاتصدی انتخاب می‌شود، برای باقیمانده دوره خدمت شخص ماقبل خود، استخدام خواهد شد و اگر این دوره، سه سال یا کمتر باشد، وی برای شرکت مجدد در انتخابات برای یک دوره کامل مطابق ماده ۳۶، واجد شرایط خواهد بود.

ماده ۳۸

ریاست دادگاه

۱) رئیس دادگاه و معاونان اول و دوم، با اکثریت قاطع آراء قضات برگزیده می‌شوند. آنها برای یک دوره سه ساله یا تا پایان دوره خدمت در سمت قضاوت، هر کدام که زودتر منقضی گردد، انتخاب می‌شوند.

۲) در صورتی که رئیس دادگاه حاضر نباشد یا از او سلب صلاحیت گردد، معاون اول رئیس به جای وی عمل خواهد کرد. در صورتی که هم رئیس دادگاه و هم معاون اول حاضر نباشند یا از آنها سلب صلاحیت شده باشد، معاون دوم رئیس در سمت ریاست دادگاه انجام وظیفه خواهد نمود.

۳) رئیس دادگاه به همراه معاونان اول و دوم، بخش ریاست دادگاه را تشکیل می‌دهند که مسئول امور ذیل خواهد بود:

الف) مدیریت صحیح دادگاه، به استثناء دفتر دادستانی؛ و

ب) امور دیگری که مطابق اساسنامه به آنها محول گردد.

۴) ریاست دادگاه در انجام وظایف خود مطابق بند ۳ (الف)، باید با دفتر دادستانی در تمام اموری که به طرفین مربوط می‌شود، هماهنگی و همسازی نماید.

شعبه‌های دادگاه

- (۱) پس از انتخاب دادرسان، دادگاه باید در اولین فرصت، کار سازماندهی بخشهای مختلف خود را به شرحی که در ماده ۳۴، بند (ب) تعیین گشت، آغاز نماید. بخش استیناف باید متشکل از رئیس دادگاه و چهار قاضی باشد، بخش دادگاه بدوی متشکل از حداقل شش قاضی و بخش پیش محاکمه نیز متشکل از حداقل شش قاضی می‌باشد. انتصاب قضات به بخشهای نامبرده باید بر اساس نوع وظایفی باشد که قرار است توسط هر یک از این بخشها اجرا گردد و نیز قابلیتها و تجارب قضات منتخب برای دادگاه، به طوری که هر بخش دارای ترکیبی شایسته از تخصص در قواعد و قوانین جزایی و همچنین در حقوق بین‌الملل باشد. بخشهای دادگاه بدوی و پیش محاکمه باید در درجه اول مرکب از قضات مجرب در محاکمات جزایی باشد.
- (۲) الف) وظایف قضایی دادگاه در هر بخش باید توسط شعب آن انجام شود.
 ب) ۱- شعبه تجدیدنظر باید مرکب از کلیه قضات بخش تجدیدنظر باشد؛
 ۲- وظایف شعبه دادگاه اولیه باید توسط سه قاضی بخش دادگاه اولیه انجام گیرد.
- ۳- وظایف شعبه دادگاه بدوی یا توسط سه قاضی بخش دادگاه بدوی انجام می‌شود یا به وسیله یک قاضی آن بخش، به تنهایی و مطابق با این اساسنامه و آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی انجام می‌شود.
- ج) در صورتی که اداره کارهای دادگاه با کارایی بهتر، تشکیل هم‌زمان بیش از یک شعبه دادگاه اولیه یا دادگاه بدوی را ایجاب نماید، هیچ بخشی از این بند نباید مانع از انجام این کار گردد.
- (۳) الف) قضاتی که به بخشهای دادگاه اولیه و بدوی منصوب می‌شوند، باید در این بخشها به مدت سه سال، و سپس تا زمان تکمیل هر پرونده‌ای که استماع آن قبلاً در این بخش شروع شده است خدمت نمایند.
 ب) قضاتی که برای بخش تجدیدنظر تعیین می‌شوند، باید در این بخش برای یک دوره کامل خدمت نمایند.
- (۴) قضاتی که برای کار در بخش تجدیدنظر برگزیده می‌شوند، باید فقط در همان بخش خدمت نمایند. اگر ریاست دادگاه تشخیص دهد که اداره کارهای دادگاه با کارایی بهتر، نیازمند انتقال موقت قضات از بخش دادگاه اولیه به بخش بدوی یا بالعکس می‌باشد، هیچ بخشی از این ماده نباید مانع از انجام آن گردد، مشروط بر آنکه یک قاضی نتواند تحت هیچ شرایطی در مرحله بدوی یک پرونده شرکت داشته و سپس در جلسه استماع دادگاه اولیه آن پرونده نیز شرکت نماید.

استقلال قضات

- (۱) قضات باید در اجرای وظایف خود مستقل باشند.

- ۲) قضات نباید در هیچ گونه فعالیتی درگیر شوند که احتمال تداخل با وظایف قضایی آنها را داشته باشد یا در اعتماد به استقلال آنها تأثیر بگذارد.
- ۳) قضاتی که لازم است به صورت تمام وقت در مقر دادگاه خدمت نمایند، نباید درگیر هیچ نوع شغل حرفه‌ای دیگری بشوند.
- ۴) هر سؤال دیگری در مورد کاربرد بندهای ۲ و ۳ باید با اکثریت قاطع آراء قضات، تصمیم گرفته شود. در مواردی که پنین سئوالاتی در مورد یک قاضی به خصوص است، قاضی مزبور نباید در تصمیم‌گیری شرکت داشته باشد.

ماده ۴۱

معافی و سلب صلاحیت از قضات

- ۱) ریاست دادگاه می‌تواند بر حسب درخواست یک قاضی، وی را از اجرای وظایف خود مطابق این اساسنامه، و مطابق آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی، معاف نماید.
- ۲) الف) قاضی نباید در پرونده‌ای که بی‌طرفی وی در آن ممکن است به هر دلیل معقولانه‌ای زیر سؤال برود، شرکت نماید. مطابق این بند، در صورتی که یک قاضی قبلاً در هر سمتی در برابر دادگاه در پرونده‌ای درگیر بوده یا در یک پرونده جنایی مربوط به این پرونده در سطح کشوری شرکت داشته که به شخص مورد تحقیق یا دادرسی مربوط می‌شود، صلاحیت این قاضی نسبت به این پرونده باید سلب گردد. همچنین یک قاضی باید در موارد دیگری هم که در آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی شرح داده شده، سلب صلاحیت شود.
- ب) دادستان یا شخصی که مورد تحقیق یا دادرسی قرار گرفته است می‌تواند بر اساس این بند، درخواست سلب صلاحیت از قاضی بنماید.
- ج) هرگونه سؤال درباره سلب صلاحیت از یک قاضی باید توسط اکثریت قاطع آراء قضات مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد. قاضی مورد بازخواست مجاز خواهد بود نظرات خود را درباره آن موضوع ابراز نماید، اما نباید در تصمیم‌گیری شرکت داشته باشد.

ماده ۴۲

دفتر دادستان

- ۱) دفتر دادستان به عنوان نهادی مجزا از دادگاه، مستقلاً عمل خواهد کرد. این نهاد مسئول دریافت موارد ارجاع شده و هرگونه اطلاعات و مدارک اثبات دعوی درباره جرائمی است که در حوزه صلاحیت دادگاه قرار دارند و بررسی آنها و انجام تحقیقات و پیگرد در برابر دادگاه را بر عهده دارد. اعضاء این دفتر نباید دنبال دریافت دستورالعمل از منابع خارجی یا عمل به موجب آن باشند.

- (۲) ریاست این دفتر با دادستان خواهد بود. دادستان در مدیریت و رتق و فتق امور اداری دفتر، از جمله کارکنان، تسهیلات و دیگر منابع آن، اختیارات تام خواهد داشت. یک یا چند معاون دادستان را یاری خواهند داد و مجاز خواهند بود هر کدام از اموری که دادستان مطابق این اساسنامه ملزم به اجرای آنها می‌باشد را انجام دهند. دادستان و معاونان وی باید از ملیتهای مختلف باشند. آنها به طور تمام وقت عمل می‌کنند.
- (۳) دادستان و معاونان وی باید دارای شخصیت اخلاقی والا بوده و در پیگرد و محاکمه پرونده‌های جنایی، بسیار با کفایت و دارای تجربه عملی وسیع باشند. آنها باید دارای معلومات عالی و فصاحت بیان در حداقل یکی از زبانهای مورد استفاده دادگاه باشند.
- (۴) دادستان با رأی مخفی اکثریت قاطع اعضاء مجمع کشورهای عضو برگزیده خواهد شد. معاونان دادستان نیز به همین منوال از میان فهرست داوطلبانی که توسط دادستان تهیه شده است، انتخاب می‌شوند. دادستان باید برای هر پست معاونت دادستانی، سه نامزد معرفی نماید. اگر در هنگام انتخاب دادستان و معاونان وی، دوره تصدی کوتاهتری برای آنها تعیین نگردد، آنها برای یک دوره نه ساله انتخاب خواهند شد و اجازه شرکت مجدد در انتخابات را ندارند.
- (۵) نه دادستان و نه معاونان وی، هیچیک نباید به فعالیتی بپردازند که احتمال تداخل با وظایف دادرسی آنها داشته باشد و یا در اطمینان به استقلال آنها تأثیری بگذارد. آنها نباید به هیچ شغل دیگری که جنبه حرفه‌ای داشته باشد، بپردازند.
- (۶) ریاست دادگاه می‌تواند دادستان یا معاون وی را مطابق درخواست شخص آنها، از کار بر پرونده به خصوصی معاف نماید.
- (۷) نه دادستان و نه معاون وی، هیچیک نباید در موضوعی که بی‌طرفی آنها در آن ممکن است به هر دلیلی به صورت معقول زیر سؤال برود، شرکت نمایند. مطابق این بند، در صورتی که آنها قبلاً در هر سمتی در برابر دادگاه در پرونده‌ای درگیر بوده یا در پرونده‌ای جنایی مربوط به این پرونده در سطح کشوری شرکت داشته‌اند که به شخص مورد تحقیق یا دادرسی مربوط می‌شود، صلاحیت ایشان نسبت به این پرونده سلب خواهد شد.
- (۸) هر سئوالی در مورد سلب صلاحیت از دادستان یا معاون وی باید توسط دادگاه تجدید نظر مورد رسیدگی قرار گیرد.
- الف) شخصی که مورد تحقیق یا دادرسی قرار گرفته است می‌تواند در هر زمان و بنا به دلائلی که در این ماده ذکر گردیده درخواست سلب صلاحیت از دادستان یا معاون وی را نماید؛
- ب) دادستان یا معاون وی، هر یک که مناسب باشد، مجاز است نظرات خود را درباره موضوع ارائه نماید؛
- (۹) دادستان مشاورینی را که دارای تخصص حقوقی بر روی موضوعات خاص می‌باشند، از جمله خوشنوتهای جنسی و جنسیتی و خوشنوت علیه کودکان، و نیز دیگر موضوعات، برخواهد گزید.

اداره ثبت

- ۱) اداره ثبت مسئول جنبه‌های غیرقضایی امور اداری و خدمات دادگاهی است بدون اینکه گرایشی نسبت به وظایف و اختیارات دادستان بر اساس ماده ۴۲ داشته باشد.
- ۲) مسئول ثبت، ریاست اداره ثبت را بر عهده خواهد داشت که بالاترین مسئول امور اداری دادگاه می‌باشد. مسئول ثبت مسئولیتهای خود را تحت اختیار ریاست دادگاه انجام خواهد داد.
- ۳) مسئول ثبت و معاون وی باید دارای شخصیت اخلاقی والا بوده و دارای معلومات عالی و فصاحت بیان در حداقل یکی از زبانهای مورد استفاده دادگاه باشند.
- ۴) قضات با اکثریت قاطع آراء مخفی، مسئول ثبت را انتخاب خواهند کرد و در این امر، توصیه‌های مجمع کشورهای عضو را در نظر خواهند داشت. در صورتی که ضرورت ایجاب نماید و بر حسب توصیه مسئول ثبت، دادرسان به همان منوال یک معاون مسئول ثبت را نیز انتخاب خواهند کرد.
- ۵) دوره تصدی مسئول ثبت پنج سال می‌باشد، که پس از آن وی می‌تواند یک بار دیگر در انتخابات مجدد شرکت نماید و نوع خدمت وی، تمام وقت خواهد بود. دوره خدمت معاون مسئول ثبت نیز بر اساس رأی اکثریت قاطع قضات، پنج سال یا کمتر خواهد بود، و وی می‌تواند بر این پایه انتخاب شود که هر گاه خدمات وی مورد نیاز باشد، به کار فراخوانده شود.
- ۶) مسئول ثبت باید یک واحد مخصوص قربانیان و شهود در اداره ثبت تأسیس نماید. این واحد در شور با دفتر دادستانی، باید برای شهود، قربانیانی که در برابر دادگاه حاضر می‌شوند، و دیگر افرادی که به دلیل گواهی دادن این افراد، در معرض خطر قرار می‌گیرند، اقدامات محافظتی و ترتیبات امنیتی، خدمات مشاوره و دیگر کمکهای مناسب را تدارک ببیند. این واحد شامل کارکنانی خواهد بود که در زمینه ضربه‌های عاطفی، از جمله آسیبهای روحی مربوط به خشونتهای جنسی تخصص داشته باشند.

کارکنان

- ۱) دادستان و مسئول ثبت باید کارکنان صالحی که مورد نیاز ادارات مربوطه آنها می‌باشد را منصوب نمایند. در مورد دادستان این موضوع شامل استخدام بازجوها می‌شود.
- ۲) دادستان و مسئول ثبت در استخدام کارکنان باید بالاترین استانداردهای کارایی، قابلیت و اصالت را در نظر گرفته و با اعمال تغییرات لازم، معیارهای تعیین شده در ماده ۳۶، بند ۸ رآمد نظر قرار دهند.

۳) مسئول ثبت با کسب موافقت از ریاست دادگاه و دادستان، مقررات مربوط به کارمندان را پیشنهاد خواهد کرد که شامل قیود و شرایطی است که کارکنان دادگاه بر اساس آنها تعیین، تقدیر و اخراج می‌شوند. مقررات مربوط به کارکنان باید مورد تأیید مجمع کشورهای عضو قرار گیرد.

۴) دادگاه می‌تواند در شرایط استثنایی از تخصص کارکنان رایگانی که توسط کشورهای عضو، سازمانهای بین دولتی یا غیردولتی برای یاری رساندن در کارهای هر یک از نهادهای دادگاه پیشنهاد می‌شوند، بهره‌مند شود. دادستان می‌تواند چنین پیشنهادهایی را از طرف دفتر دادستانی بپذیرد. این کارکنان رایگان باید مطابق با دستورالعملهایی که توسط مجمع کشورهای عضو صادر می‌شود، استخدام شوند.

ماده ۴۵

ادای سوگند رسمی

قضات، دادستان، معاونین دادستان، مسئول ثبت و معاون مسئول ثبت پیش از به عهده گرفتن وظایف خود، هر یک در دادگاه علناً و رسماً سوگند یاد می‌کنند که اموری که به ایشان محول شده را با بیطرفی و وظیفه شناسی به انجام رسانند.

ماده ۴۶

اخراج از کار

- ۱) در صورت اثبات موارد ذیل در مورد قاضی، دادستان، معاون دادستان، مسئول ثبت یا معاون مسئول ثبت، ایشان از سمت خود برکنار خواهند شد اگر طبق بند ۲ تصمیمی بدین منظور اتخاذ گردد:
- الف) اگر معلوم شود مرتکب سوء رفتار جدی یا تخلف جدی از وظایفی که مطابق این اساسنامه به ایشان محول گردیده است شده‌اند، به شرحی که در آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی تعیین گردیده است؛ یا ب) قادر به انجام وظایفی که مطابق این اساسنامه به اجرای آن مکلفند نیستند.
- ۲) تصمیم درباره برکناری قاضی، دادستان، یا معاون دادستان مطابق بند ۱، باید با رأی مخفی و توسط مجمع کشورهای عضو گرفته شود:
- الف) در مورد قاضی، با کسب اکثریت دو سوم کشورهای عضو و نسبت به پیشنهاد اتخاذ شده توسط اکثریت دو سوم قضات دیگر؛
- ب) در مورد دادستان، با کسب اکثریت قاطع آراء کشورهای عضو؛
- ج) در مورد معاون دادستان، بنا به توصیه دادستان و با کسب اکثریت قاطع آراء کشورهای عضو.
- ۳) تصمیم درباره برکناری مسئول ثبت یا معاون مسئول ثبت از سمت آنها، باید با کسب اکثریت قاطع آراء قضات، اتخاذ گردد.

۴) قاضی، دادستان، معاون دادستان، مسئول ثبت یا معاون مسئول ثبتی که رفتار یا قابلیت آنها برای اجرای وظایف محوله به نحوی که این اساسنامه ملزم می‌دارد، بر اساس این ماده زیر سؤال رفته است، باید مطابق آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی، برای ارائه و دریافت مدارک و شواهد و اظهار نظرات خود، فرصت کافی در اختیار آنها قرار گیرد. شخص مورد سؤال نباید هنگام بررسی موضوع حضور داشته باشد.

ماده ۴۷

اقدامات انضباطی

قاضی، دادستان، معاون دادستان، مسئول ثبت یا معاون مسئول ثبتی که مرتکب سوء رفتاری شده که شدت آن از آنچه در ماده ۴۶، بند ۱ شرح داده شد، کمتر می‌باشد، باید مطابق آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی، مشمول اقدامات انضباطی بشود.

ماده ۴۸

امتیازات و مصونیتها

- ۱) دادگاه در قلمرو هر یک از کشورهای عضو، از امتیازات و مصونیت‌های لازم برای تحقق مقاصد خود برخوردار است.
- ۲) قضات، دادستان، معاونان دادستان و مسئول ثبت، در زمان استخدام یا در ارتباط با امور دادگاه، از همان امتیازات و مصونیت‌هایی برخوردار خواهند بود که به رؤسای هیئت‌های سیاسی اعطا می‌شود، و پس از انقضای دوره خدمت آنها نیز از رعایت هرگونه تشریفات قانونی در ارتباط با مطالب گفته یا نوشته شده و اعمال انجام شده توسط آنها طی دوره تصدی مقام خود، مصون می‌باشند.
- ۳) معاون مسئول ثبت، کارکنان دفتر دادستان و کارکنان اداره ثبت مطابق توافق دادگاه درباره امتیازات و مصونیتها، از امتیازات و مصونیتها و تسهیلات لازم برای اجرای وظایف خود برخوردار خواهند بود.
- ۴) باید با شورا، متخصصین، شهود یا هر شخص دیگری که لزوماً باید در دادگاه حضور داشته باشد طوری برخورد شود که برای عملکرد صحیح دادگاه ضروری می‌باشد و با توافق دادگاه در مورد امتیازات و مصونیتها تطابق داشته باشد.
- ۵) امتیازات و مصونیتها:
 - الف) قاضی می‌تواند با اکثریت قاطع آراء قضات، عزل شود؛
 - ب) مسئول ثبت می‌تواند توسط ریاست دادگاه عزل شود؛
 - ج) معاونان دادستان و کارکنان دفتر دادستان می‌تواند توسط دادستان عزل شوند؛
 - د) معاون مسئول ثبت و کارکنان اداره ثبت می‌تواند توسط مسئول ثبت عزل شوند.

حقوق، مزایا و مخارج

قضات، دادستان، معانان دادستان، مسئول ثبت و معاون مسئول ثبت حقوق، مزایا و هزینه‌هایی را دریافت خواهند داشت که به تأیید مجمع کشورهای عضو رسیده است. این حقوق و مزایا طی دوره تصدی ایشان کاهش نخواهد یافت.

زبانهای رسمی و کاری

۱) زبانهای رسمی دادگاه عبارت خواهند بود از: عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی، و اسپانیولی. احکام دادگاه و نیز تصمیمات دیگری که در حضور دادگاه برای حل مسائل اساسی اتخاذ می‌شود، باید به این زبانهای رسمی ترجمه شوند. ریاست دادگاه بر حسب معیارهای اصلی آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی تعیین خواهد نمود که برای مقاصد مربوط به این بند، چه تصمیماتی حلال مشکلات اصلی محسوب خواهند شد.

۲) زبانهای کاری دادگاه انگلیسی و فرانسوی خواهند بود. آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی، مواردی را که دیگر زبانهای رسمی ممکن است به عنوان زبان کاری استفاده بشوند، تعیین خواهد نمود.

۳) بر حسب درخواست هر یک از کشورهای طرف دادرسی یا کشوری که مجاز است در جریان دادرسی مداخله نماید، دادگاه زبان دیگری را به جز انگلیسی و فرانسوی انتخاب خواهد نمود که توسط طرف دعوی یا کشور مزبور استفاده بشود، مشروط بر آنکه دادگاه چنین اجازه‌ای را به اندازه کافی موجه بداند.

آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی

۱) آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی پس از تصویب اکثریت دو سوم اعضاء مجمع کشورهای عضو به اجرا گذاشته خواهد شد.

۲) اصلاحات آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی می‌تواند توسط افراد ذیل پیشنهاد شود:

الف) هر یک از کشورهای عضو؛

ب) اکثریت قاطع آراء قضات؛ یا

ج) دادستان.

چنین اصلاحیه‌هایی پس از تصویب اکثریت دو سوم اعضاء مجمع کشورهای عضو به اجرا گذاشته خواهد شد.

۳) پس از تصویب آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی، در موارد ضروری که این اصول برای دادگاه موقعیتهای خاصی را پیش‌بینی نکرده باشد، قضات می‌توانند با اکثریت دو سوم آراء اصول و قواعد موقتی ارائه دهند که تا زمانی که در اجلاس معمولی یا اختصاصی بعدی مجمع کشورهای عضو، تصویب، اصلاح یا رد شوند مورد استفاده قرار گیرند.

۴) آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی، اصلاحیه‌های مربوط به آن و هرگونه مقررات موقت باید با این اساسنامه تطابق داشته باشند. اصلاحات آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی و نیز مقررات موقتی نباید عطف به ماسبق شده و به ضرر شخصی باشد که در حال بازجویی یا دادرسی است یا قبلاً محکوم گردیده است.

۵) در صورت بروز تضاد میان اساسنامه و آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی، اولویت با اساسنامه می‌باشد.

ماده ۵۲

مقررات دادگاه

۱) قضات باید مطابق این اساسنامه و آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی و با اکثریت قاطع آراء، مقررات دادگاه را که برای عملکرد معمول دادگاه لازم است تصویب نمایند.

۲) در مورد جزئیات این مقررات و اصلاحیه‌های مربوط به آن باید با دادستان و مسئول ثبت مشورت شود.

۳) مقررات و هرگونه اصلاحیه مربوط به آن به محض تصویب قابل اجرا خواهند بود مگر آنکه قضات تصمیمی متفاوت اتخاذ کنند. این مقررات بلافاصله پس از تصویب، برای ابراز نظر به کشورهای عضو ارسال خواهد شد. اگر ظرف شش ماه هیچگونه اعتراضی توسط اکثریت کشورهای عضو صورت نگیرد، این مقررات قابل اجرا باقی خواهند ماند.

بخش پنجم. تحقیقات و دادرسی

ماده ۵۳

آغاز مرحله تحقیقات

۱) دادستان پس از ارزیابی اطلاعاتی که در اختیار وی گذاشته شده است، تحقیقاتی را آغاز خواهد کرد مگر آنکه تشخیص دهد که مطابق این اساسنامه، هیچ پایه و اساس معقولی برای دنبال کردن پرونده وجود ندارد. در اتخاذ تصمیم برای آغاز تحقیقات، دادستان باید موارد ذیل را مورد توجه قرار دهد:

الف) آیا اطلاعاتی که در اختیار دادستان قرار گرفته، پایه و اساس معقولی برای قبول این مطلب فراهم می‌آورد که جنایتی در محدوده صلاحیت دادگاه اتفاق افتاده یا در حال وقوع است.

- (ب) آیا این پرونده بر اساس ماده ۱۷ قابل طرح می‌باشد؛ و
- (ج) آیا با در نظر گرفتن شدت جنایت و منافع قربانیان، هنوز هم دلائل محکمی برای قبول این مطلب وجود دارد که انجام تحقیقات نفعی برای اجرای عدالت نخواهد داشت.
- اگر دادستان تشخیص دهد که هیچ دلیل موجهی برای ادامه تحقیقات وجود ندارد و تصمیم وی صرفاً بر پایه تبصره (ج) باشد، وی باید موضوع را به دادگاه مقدماتی اطلاع دهد.
- (۲) اگر پس از تحقیقات دادستان به این نتیجه برسد که دلیل کافی برای دادرسی وجود ندارد، زیرا:
- الف) دلیل موجه حقوقی یا واقعی برای درخواست صدور حکم جلب یا احضاریه مطابق ماده ۵۸ وجود ندارد؛
- (ب) دعوی بر اساس ماده ۱۷ قابل طرح نمی‌باشد؛ یا
- (ج) دادرسی فوق با در نظر گرفتن تمام شرایط، از جمله میزان وخامت جنایت، منافع قربانیان و سن و میزان ناتوانی شخص متهم و نیز نقش وی در ارتکاب جنایت انتسابی، تأثیری در حفظ عدالت ندارد؛
- دادستان باید نتیجه‌گیری خود و دلایل این نتیجه‌گیری را مطابق ماده ۱۴، یا شورای امنیت در صورتیکه مطابق ماده ۱۳ بند (ب) باشد، به دادگاه مقدماتی و کشور ارجاع دهنده اطلاع دهد.
- (۳) الف) در صورت درخواست کشور ارجاع دهنده پرونده مطابق ماده ۱۴، یا شورای امنیت در صورتیکه مطابق ماده ۱۳ بند (ب) باشد، دادگاه مقدماتی می‌تواند تصمیم دادستان را مطابق بند ۱ یا ۲ مبنی بر عدم اقامه دعوی مجدداً بررسی کند و می‌تواند از دادستان درخواست تجدید نظر در این تصمیم نماید.
- (ب) علاوه بر آن، دادگاه مقدماتی می‌تواند بنا به صلاحدید خود، تصمیم دادستان مبنی بر عدم اقامه دعوی را اگر صرفاً بر اساس بند ۱ (ج) یا ۲ (ج) باشد، مجدداً بررسی کند. در چنین موردی تصمیم دادستان تنها اگر توسط دادگاه مقدماتی تأیید گردد، قابل اجرا خواهد بود.
- (۴) دادستان می‌تواند هر گاه که بخواهد در تصمیم خود مبنی بر آغاز تحقیقات یا پیگرد بر اساس کشف حقایق یا اطلاعات جدید، تجدید نظر نماید.

ماده ۵۴

وظایف و اختیارات دادستان در ارتباط با تحقیقات

(۱) دادستان باید:

- الف) به منظور کشف حقیقت، دامنه تحقیقات را تا حدی گسترش دهد که کلیه حقایق و شواهد را برای ارزیابی اینکه آیا مطابق این اساسنامه مسئولیت کیفری وجود دارد یا خیر، در بر گیرد و در انجام این کار، وی باید شرایطی که منجر به گناهکار دانستن و تبرئه کردن شخص می‌شود را هم به همان اندازه مد نظر قرار دهد.

- ب) اقدامات مناسب انجام دهد تا از مؤثر بودن تحقیقات و پیگرد جنایاتی که در قلمرو صلاحیت دادگاه قرار دارد، اطمینان یابد، و در انجام این امر، منافع و موقعیت شخصی قربانیان و شهود از جمله سن، جنسیت مطابق تعاریف ماده ۷، پاراگراف ۳، و وضعیت سلامت را محترم شمارد، و چگونگی جنایت، به خصوص اگر مربوط به خشونت جنسی، خشونت جنسیتی یا خشونت علیه کودکان می‌شود را مد نظر قرار دهد؛ و
- ج) به حقوق اشخاصی که تحت این اساسنامه عمل می‌کنند، احترام کامل بگذارد.
- ۲) دادستان می‌تواند در قلمرو یک کشور:
- الف) مطابق مقررات بخش ۹؛ یا
- ب) به ترتیبی که طبق ماده ۵۷، بند ۳(د) توسط دادگاه مقدماتی مجاز گردیده است، به انجام تحقیقات بپردازد.
- ۳) دادستان می‌تواند:
- الف) به جمع‌آوری و بررسی شواهد و مدارک بپردازد؛
- ب) درخواست نماید افراد مورد تحقیق، قربانیان و شهود حاضر گردیده و از ایشان پرسش به عمل آید؛
- ج) از هریک از کشورها یا سازمانهای بین‌المللی درخواست همکاری نماید یا بنا به قابلیت و یا دستور کار هر یک از آنها، از ایشان درخواست نماید اقداماتی انجام دهند؛
- د) در صورت لزوم برای تسهیل همکاری با یک کشور، سازمان بین‌المللی یا شخص، قرارها یا توافقی‌هایی را با ایشان منعقد نماید که با این اساسنامه مطابق باشد.
- هـ) توافق نماید که در هیچ یک از مراحل دادرسی، اسناد و اطلاعاتی را که دادستان به شرط محرمانه بودن، به دست می‌آورد و صرفاً به منظور ارائه شواهد جدید می‌باشند، فاش ننماید مگر آنکه رضایت تهیه کننده این اطلاعات حاصل شود؛ و
- و) به منظور تضمین محرمانه ماندن اطلاعات، حفظ هر یک از افراد یا محفوظ ماندن اسناد و مدارک، اقدامات ضروری را انجام دهد یا درخواست نماید که اقدامات ضروری انجام شوند.

ماده ۵۵

حقوق اشخاص طی انجام تحقیقات

- ۱) در ارتباط با انجام تحقیقات مطابق این اساسنامه، شخص:
- الف) نباید مجبور گردد خود را مقصر دانسته یا اقرار به گناه نماید؛
- ب) نباید هیچگونه اعمال زور، ارباب یا تهدید، شکنجه یا هرگونه رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز نسبت به وی صورت پذیرد؛

ج) در صورتیکه به زبانی از وی پرس و جو شود که غیر از زبانی است که وی کاملاً درک کرده و به آن سخن می‌گوید، باید به طور کاملاً رایگان از مساعدت یک مترجم با کفایت و ترجمه‌ای لزوماً منصفانه، برخوردار گردد؛ و

د) نباید مورد دستگیری یا بازداشت خودسرانه قرار گیرد، و نباید از آزادی خویش محروم گردد مگر به دلایل و مطابق مقرراتی که در این اساسنامه مقرر گردیده است.

۲) هنگامی که دلایلی موجود است که نشان می‌دهد شخصی مرتکب جنایتی شده که در حوزه صلاحیت دادگاه است و قرار است به زودی توسط دادستان، یا به دنبال درخواستی که بر اساس مقررات بخش ۹ صورت گرفته، توسط مقامات ملی مورد بازجویی قرار گیرد، وی از حقوق ذیل برخوردار خواهد بود که باید پیش از بازجویی وی را از آنها مطلع نمود:

الف) باید پیش از انجام بازجویی، به وی اطلاع داده شود که دلائل موجود دال بر این است که او مرتکب جنایتی گردیده که در حوزه صلاحیت این دادگاه است؛

ب) می‌تواند سکوت نماید، بدون آنکه چنین سکوتی در تعیین گناهکار یا بیگناه بودن وی مؤثر باشد؛
ج) از مشاوره حقوقی شخص مورد نظر خود برخوردار شود، یا، اگر مشاور حقوقی ندارد، در هر شرایطی که برای حفاظت از عدالت ضروری است، برای وی مشاور حقوقی تعیین گردد، و در صورتی که شخص مذکور توانایی مالی کافی برای پرداخت هزینه آن را ندارد، هیچگونه هزینه‌ای از این بابت به وی تعلق نگیرد؛ و

د) با حضور وکیل از او بازجویی به عمل آید مگر آنکه شخص داوطلبانه از حق خود برای داشتن وکیل مدافع، صرف نظر کرده باشد.

ماده ۵۶

نقش دادگاه مقدماتی در ارتباط با فرصتهای تحقیقاتی منحصر به فرد

۱) الف) هر گاه دادستان تشخیص دهد تحقیق در موضوعی، فرصتی استثنایی برای دادن شهادت یا اظهارنامه از یک شاهد یا بررسی، جمع‌آوری یا آزمایش شواهد و مدارک فراهم آورده که ممکن است بعداً برای مقاصد مورد نظر در محاکمه موجود نباشند، دادستان باید دادگاه مقدماتی را از این امر آگاه سازد؛

ب) در آن صورت دادگاه مقدماتی می‌تواند بر حسب تقاضای دادستان، اقدامات لازم را برای حصول اطمینان از کارآیی و صحت مراحل دادرسی و علی‌الخصوص برای محافظت از حقوق متهم انجام دهد.

ج) دادستان باید اطلاعات مربوطه را در اختیار شخصی که دستگیر شده یا در ارتباط با تحقیقاتی که در بند (الف) به آن اشاره شد در دادگاه حضور یافته تا مطالب خود را در مورد دعوی مطروحه اظهار دارد قرار دهد مگر آنکه دادگاه مقدماتی فرمانی غیر از این صادر نماید.

۲) اقداماتی که در پاراگراف ۱(ب) به آن اشاره گردید، ممکن است شامل موارد ذیل باشد:

الف) ارائه توصیه یا صدور فرمان درباره مراحل که باید دنبال شوند؛

ب) صدور دستور مبنی بر تهیه سوابق از مراحل دادرسی؛

ج) تعیین یک متخصص برای ارائه کمک؛

د) صدور اجازه برای فراهم نمودن مشاوره حقوقی برای شخص دستگیر شده یا شخصی که در پاسخ به احضاریه برای مشارکت در دادگاه حضور یافته، یا در حالتی که هنوز چنین دستگیری یا حضور در دادگاه واقع نشده و مشاوره حقوقی هم تعیین نگردیده، منصوب نمودن وکیل مدافعی دیگر برای حضور در دادگاه و دفاع از منافع شخص متهم؛

ه) تعیین یکی از اعضاء دادگاه مقدماتی یا دادگاه بدوی یا در صورت لزوم قاضی دیگری از این شعبات که در دسترس باشد، برای ملاحظه امور و ارائه توصیه‌ها یا فرامینی درباره جمع‌آوری و حفظ شواهد و مدارک و بازجویی از افراد؛

و) انجام اقدامات دیگر در صورت لزوم، برای جمع‌آوری و حفظ مدارک و شواهد.

۳) الف) در صورتی که دادستان مطابق این ماده اقدامی انجام نداده باشد، اما دادگاه مقدماتی تشخیص دهد چنین اقداماتی برای حفظ ادله اثبات دعوی ضروری است و گمان می‌رود که طی محاکمه برای متهم بسیار مهم باشد، این شعبه باید با دادستان مشورت نماید که آیا وی دلیل خوبی برای کوتاهی در صدور درخواست انجام اقدامات دارد یا خیر. اگر در نتیجه این گفتگو، دادگاه مقدماتی تشخیص دهد که کوتاهی دادستان در صدور درخواست برای انجام اقدامات، عملی توجیه ناپذیر است، دادگاه مقدماتی می‌تواند بنا به صلاحدید خود چنین اقداماتی را انجام دهد.

ب) دادستان می‌تواند نسبت به تصمیم دادگاه مقدماتی مبنی بر اقدام بنا به صلاحدید خود مطابق این ماده، درخواست تجدید نظر نماید. چنین پژوهشی سریعاً مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

۴) تصمیم در مورد قابل طرح بودن مدارک و اسناد تحت حفاظت یا جمع‌آوری شده مطابق این ماده، یا سوابق مربوط به آن، طی محاکمه بر اساس ماده ۶۹ اتخاذ خواهد گردید و تعیین ارزش و اعتبار آن بر عهده دادگاه بدوی خواهد بود.

ماده ۵۷

وظایف و اختیارات دادگاه مقدماتی

۱) دادگاه مقدماتی وظایف خود را مطابق مقررات این ماده انجام خواهد داد مگر آنکه مواردی بر خلاف آن در این اساسنامه قید شود.

۲) الف) دستورات یا احکام دادگاه مقدماتی که مطابق مواد ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۵۴، بند ۲، ۶۱، بند ۷، و ۷۲ صادر شده باشند باید با اکثریت آراء قضات در تطابق باشند.

ب) در تمام موارد دیگر یک قاضی از دادگاه مقدماتی می‌تواند وظایف مقرر در این اساسنامه را انجام دهد، مگر آنکه در آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی، یا با اکثریت آراء در دادگاه مقدماتی، تصمیمی غیر از این اتخاذ گردد.

۳) علاوه بر وظایف دیگری که مطابق این اساسنامه بر عهده دادگاه مقدماتی است، این شعبه می‌تواند:

الف) برحسب تقاضای دادستان، فرامین و احکام جلب مورد نیاز به منظور انجام تحقیقات را صادر نماید؛
ب) بنا به تقاضای شخصی که دستگیر شده یا متعاقب دریافت احضاریه مطابق ماده ۵۸، در دادگاه حاضر گردیده، فرمانهایی صادر نماید، از جمله اقداماتی مانند آنچه در ماده ۵۶ ذکر گردید، یا مطابق بخش ۹، در صورت لزوم برای کمک به شخصی که در حال تهیه دفاعیه از خود می‌باشد، همکاری لازم را مجری دارد؛
ج) در صورت لزوم، محافظت و خصوصی بودن امور قربانیان و شهود، حفظ اسناد و مدارک، محافظت از افراد دستگیر شده یا کسانی که در پاسخ به احضاریه در دادگاه حضور یافته‌اند، و حفظ اطلاعات مربوط به امنیت ملی را فراهم آورد؛

د) اگر در هر زمان ممکن با توجه به نظرات یک کشور ذیربط، دادگاه مقدماتی در مورد دعوی مطروحه تشخیص داده که آن کشور به دلیل فقدان اختیار یا هر کمبود دیگری در دستگاه قضایی خود که سبب عدم اجرای درخواست همکاری مطابق بخش ۹ می‌شود، مشخصاً قادر به برآورده ساختن درخواست همکاری نیست، به دادستان اجازه دهد تا مراحل خاص تحقیقات در قلمرو یک کشور عضو را بدون جلب همکاری کشور فوق مطابق بخش ۹، طی نماید.

هـ) در صورتیکه حکم جلب یا احضاریه بر اساس ماده ۵۸ صادر شده باشد، و با توجه به میزان اعتبار ادله اثبات دعوی و نیز حقوق طرفین ذیربط، به شرحی که در این اساسنامه و نیز در آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی آمده است، پیرو ماده ۹۳، بند ۱ (ک) در صدد جلب همکاری کشورها برآید تا اقدامات محافظتی به منظور پرداخت غرامت به ویژه به منظور حفظ حداکثر منافع قربانیان، انجام شود.

ماده ۵۸

صدور حکم جلب یا احضاریه دادگاه توسط دادگاه مقدماتی

۱) در هر مرحله پس از آغاز تحقیقات، اگر پس از بررسی درخواست و مدارک و اسناد یا دیگر اطلاعات ارائه شده توسط دادستان، دادگاه مقدماتی در ارتباط با موارد ذیل متقاعد گردد، بر حسب درخواست دادستان باید حکم جلب شخص را صادر نماید:

الف) دلایل معقولی برای قبول این مطلب موجود است که شخص مرتکب جنایتی گردیده که در حوزه صلاحیت دادگاه است؛ و

ب) دستگیری شخص لازم به نظر می‌رسد:

۱- برای کسب اطمینان از حضور شخص در محاکمه،

- ۲- برای کسب اطمینان از اینکه شخص سبب ایجاد وقفه در انجام تحقیقات یا تشریفات حقوقی دادگاه نمی‌شود یا آن را به خطر نمی‌اندازد، یا
- ۳- در صورت لزوم، جلوگیری از ادامه دادن آن شخص به ارتکاب جنایت یا جنایت دیگری در همین ارتباط که در حوزه صلاحیت دادگاه است و تحت همان شرایط واقع خواهد شد.
- (۲) درخواست دادستان باید شامل موارد زیر باشد:
- الف) نام شخص و هرگونه اطلاعات مربوطه دیگر برای تعیین هویت؛
- ب) اشاره مشخصی به جنایاتی داشته باشد که در قلمرو صلاحیت دادگاه هستند و شخص به ارتکاب آنها متهم شده است؛
- ج) فشرده‌ای از واقعیتهایی که این جنایات را تشکیل می‌دهند؛
- د) خلاصه‌ای از مدارک و اسناد و هر اطلاعات دیگری که دلایل معقولی برای قبول اینکه شخص مرتکب آن جنایات شده را فراهم می‌آورند؛ و
- ه) دلیل اینکه دادستان معتقد است دستگیری شخص مزبور ضروری است.
- (۳) حکم جلب شامل قسمتهای ذیل می‌باشد:
- الف) نام شخص و هرگونه اطلاعات مرتبط دیگر برای تعیین هویت؛
- ب) اشاره مشخص به جنایات تحت صلاحیت دادگاه که شخص به ارتکاب آنها متهم شده است؛ و
- ج) فشرده‌ای از واقعیاتی که این جنایات را تشکیل می‌دهند.
- (۴) حکم جلب معتبر باقی خواهد ماند تا زمانی که دادگاه دستوری غیر از آن صادر نماید.
- (۵) دادگاه می‌تواند بر پایه حکم جلب، دستگیری موقت یا تسلیم شخص مطابق بخش ۹ را تقاضا نماید.
- (۶) دادستان می‌تواند از دادگاه مقدماتی درخواست نماید حکم جلب با تغییر یا افزایش جنایات مشخص شده در آن اصلاح گردد. دادگاه مقدماتی نیز در صورت وجود دلایل معقول برای پذیرفتن اینکه شخص جنایاتی که تغییر یافته یا اضافه شده را مرتکب گردیده است، حکم جلب را به همان ترتیب، اصلاح خواهد کرد.
- (۷) دادستان به جای درخواست صدور حکم جلب، می‌تواند تقاضایی مبنی بر صدور احضاریه دادگاه برای آن شخص، به دادگاه مقدماتی ارسال نماید. اگر دادگاه مقدماتی متقاعد شود که دلایل معقولی وجود دارد که شخص، جنایات انتسابی را مرتکب گردیده است و صدور احضاریه برای کسب اطمینان از حضور وی در دادگاه کافی است، باید احضاریه‌هایی صادر نماید که می‌تواند در صورتی که در قوانین ملی کشور قید شده باشد، حاوی شرایطی برای محدود کردن یا نکردن آزادی شخص (غیر از بازداشت) باشد. این احضاریه‌ها باید شامل موارد زیر باشند:
- الف) نام شخص و هرگونه اطلاعات مرتبط دیگر برای تعیین هویت؛
- ب) تاریخ دقیق روزی که شخص باید در دادگاه حضور یابد؛
- ج) اشاره مشخص به جنایات تحت صلاحیت دادگاه که شخص به ارتکاب آنها متهم شده است؛ و

د) فشرده‌ای از واقعیاتی که این جنایات را تشکیل می‌دهند.
احضاریه باید به شخص تحویل داده شود.

ماده ۵۹

تشریفات حقوقی مربوط به دستگیری در کشور محل بازداشت

- ۱) کشور عضو که درخواست دستگیری موقت یا دستگیری و تسلیم نمودن شخص را دریافت نموده است باید فوراً اقدامات لازم برای دستگیری شخص مورد نظر را مطابق قوانین خود و نیز مقررات بخش ۹ انجام دهد.
- ۲) شخص دستگیر شده باید فوراً در برابر مقامات قضایی صالحه در کشور محل بازداشت، حاضر شود و این مقامات مطابق قوانین آن کشور تعیین خواهند نمود که:
الف) آیا این احضاریه برای شخص مزبور صادر شده؛
ب) آیا شخص مزبور مطابق دستورالعمل‌های مناسب دستگیر گردیده است؛ و
ج) آیا حقوق شخص مزبور محترم شمرده شده است یا خیر.
- ۳) شخص دستگیر شده حق دارد از مقامات صالحه در کشور محل بازداشت خود تقاضا نماید که تا زمان محاکمه از آزادی موقت برخوردار گردد.
- ۴) در امر تصمیم‌گیری نسبت به چنین تقاضاهایی، مقام صالحه در کشور محل بازداشت باید در نظر داشته باشد که با توجه به شدت جنایات انتسابی، آیا شرایط استثنایی و اضطراری وجود دارد که آزادی موقت شخص را توجیه نماید و آیا اقدامات حفاظتی لازم برای کسب اطمینان از اینکه کشور محل بازداشت قادر به تحقق وظایف خود برای تسلیم شخص به دادگاه می‌باشد، صورت گرفته است یا خیر. بررسی اینکه آیا حکم جلب به طور صحیح و مطابق با ماده ۵۸، پاراگراف ۱ الف) و ب) صورت گرفته است به عهده این مقام ذیصلاح نمی‌باشد.
- ۵) دادگاه مقدماتی باید از هرگونه درخواستی برای آزادی موقت، مطلع گردد و باید راهنمایی‌هایی در اختیار مقامات ذیصلاح در کشور محل بازداشت قرار دهد. مقام ذیصلاح کشور بازداشت کننده باید به این راهنمایی‌ها، از جمله هرگونه توصیه‌ای که در مورد اقدام برای پیشگیری از فرار شخص، قبل از اتخاذ تصمیم باشد، توجه تام نماید.
- ۶) اگر به شخص، آزادی موقت اعطا گردد، ممکن است دادگاه مقدماتی تقاضا کند که درباره وضعیت آزادی موقت شخص، به طور مرتب گزارشهایی تهیه شود.
- ۷) زمانی که به کشور بازداشت کننده دستور تسلیم نمودن شخص داده شود، وی باید در اسرع وقت به دادگاه تحویل داده شود.

تشریفات حقوقی اولیه در برابر دادگاه

- ۱) به محض تسلیم شخص به دادگاه، یا حضور داوطلبانه وی در برابر دادگاه یا پیرو دریافت احضاریه، دادگاه مقدماتی باید متقاعد شود که شخص از جنایاتی که به وی نسبت داده شده، و نیز از حقوق خود مطابق این اساسنامه، از جمله حق درخواست آزادی موقت تا زمان محاکمه، مطلع گردیده است.
- ۲) شخصی که برایش حکم جلب صادر گردیده می‌تواند درخواست نماید تا زمان محاکمه از آزادی موقت برخوردار شود. در صورتیکه دادگاه مقدماتی متقاعد شود که شرایط مقرر در ماده ۵۸، بند ۱ برقرار است، شخص باید در بازداشت باقی بماند. اگر چنین شرایطی برقرار نباشد، دادگاه مقدماتی آن شخص را با، یا بدون قید و شرط، آزاد خواهد ساخت.
- ۳) دادگاه مقدماتی باید مرتباً احکام خود را در مورد آزاد سازی یا بازداشت اشخاص مرور نماید و می‌تواند این کار را در هر زمان بنا به درخواست دادستان یا خود شخص، انجام دهد. بلافاصله پس از انجام چنین ارزیابی، اگر به این نتیجه برسد که شرایط متحول چنین ایجاب می‌نماید، این دادگاه می‌تواند احکام خود را درباره بازداشت، آزاد ساختن، یا شرایط آزاد سازی تغییر دهد.
- ۴) دادگاه مقدماتی باید اطمینان حاصل نماید که شخص در زمان قبل از محاکمه به علت تأخیرهای غیرقابل توجیه دادستان، برای مدت نامعقولی در بازداشت باقی نماند. در صورت وقوع چنین تأخیرهایی، دادگاه باید آزاد ساختن شخص را، با و یا بدون قید و شرط، در نظر بگیرد.
- ۵) در صورت لزوم، دادگاه مقدماتی می‌تواند برای کسب اطمینان از حضور شخصی که آزاد گردیده حکم جلب وی را صادر نماید.

تأیید اتهامات پیش از محاکمه

- ۱) دادگاه مقدماتی بر حسب مقررات بند ۲، در مدت زمان معقولی پس از تسلیم کردن شخص یا حضور داوطلبانه وی در برابر دادگاه موظف است جلسه استماع برای تأیید اتهاماتی که دادستان بر پایه آنها خواستار محاکمه گردیده است را تشکیل دهد. این جلسه استماع باید با حضور دادستان و شخص متهم و نیز وکیل مدافع وی برگزار شود.
- ۲) دادگاه مقدماتی می‌تواند بر حسب تقاضای دادستان یا به صلاحدید خود، جلسه استماع دادگاه را در غیاب شخص متهم برای تأیید اتهاماتی که دادستان بر پایه آنها تقاضای محاکمه نموده است تشکیل دهد و این در صورتی است که شخص متهم:
الف) از حق خود برای حضور در دادگاه صرف نظر نماید؛ یا

- ب) فرار کرده یا مفقود شده و تمام اقدامات معقول برای حاضر نمودن وی در دادگاه و تفهیم اتهامات به وی و برگزاری جلسه دادگاه برای تأیید این اتهامات، انجام گرفته است.
- در چنین وضعیتی اگر دادگاه مقدماتی تشخیص دهد که حفاظت از عدالت ایجاب می‌کند، دفاع از شخص در غیاب وی توسط وکیل مدافع وی صورت خواهد گرفت.
- ۳) در مدت زمانی معقول پیش از برگزاری جلسه استماع، باید برای شخص متهم:
- الف) نسخه‌ای از سندی که حاوی موارد اعلام جرم بوده و دادستان قصد محاکمه شخص بر اساس آن را دارد تهیه شود؛ و
- ب) از شواهد و مدارکی که دادستان در جلسه استماع قصد دارد بر آنها تکیه نماید مطلع شود.
- دادگاه مقدماتی می‌تواند فرامینی در مورد افشاء اطلاعات به منظور استفاده در جلسه استماع دادگاه صادر نماید.
- ۴) پیش از استماع، دادستان می‌تواند به تحقیقات ادامه دهد و اتهامات انتسابی را اصلاح یا حذف نماید. هرگونه تغییر یا حذف اتهامات انتسابی طی مدت معقولی به شخص اطلاع داده خواهد شد. دادستان مکلف است در صورت حذف اتهامات، دلایل آن را به دادگاه مقدماتی اطلاع دهد.
- ۵) در جلسه استماع دادگاه، دادستان موظف است برای هر یک از اتهامات وارده ادله کافی ارائه نماید تا دلیل قابل توجهی برای قبول اینکه شخص مرتکب اتهامات انتسابی گردیده است فراهم شود. در صورت حذف اتهامات، دادستان باید دادگاه مقدماتی را از دلایل این حذف مطلع نماید.
- ۶) در جلسه استماع دادگاه، شخص می‌تواند:
- الف) نسبت به اتهامات اعتراض نماید؛
- ب) شواهد و مدارک ارائه شده توسط دادستان را مورد سؤال قرار دهد؛ و
- ج) شواهد و دلایل خود را ارائه دهد.
- ۷) دادگاه مقدماتی بر اساس استماع انجام شده، تعیین خواهد نمود که آیا شواهد کافی برای اثبات مدعا که شخص مرتکب هر یک از اتهامات انتسابی گردیده است، وجود دارد یا خیر. این شعبه بر پایه تشخیص خود، مکلف است که:
- الف) اتهاماتی که در ارتباط با آنها تصمیم بر کفایت شواهد و مدارک گرفته است تأیید نماید، و شخص را برای محاکمه در ارتباط با این اتهامات، به دادگاه بدوی ارجاع دهد؛
- ب) از تأیید اتهاماتی که در ارتباط با آنها تصمیم بر عدم کفایت شواهد و مدارک گرفته است امتناع ورزد؛
- ج) جلسه استماع را به تعویق انداخته و از دادستان تقاضا کند موارد ذیل را در نظر بگیرد:
- ۱- در ارتباط با یک اتهام به خصوص، به ارائه شواهد بیشتر یا انجام تحقیقات وسیع‌تر بپردازد؛ یا
 - ۲- اتهامی را اصلاح نماید زیرا شواهد ارائه شده به نظر می‌رسد که جنایت دیگری در حوزه صلاحیت دادگاه را مطرح می‌سازد.
- ۸) اگر دادگاه مقدماتی از تأیید اتهامی امتناع نماید، در صورتی که دادستان ادله بیشتری برای اثبات دعوی تهیه نماید، نباید از ارائه مجدد تقاضای خود مبنی بر تأیید اتهام منع شود.

۹) پس از تأیید اتهامات و پیش از شروع محاکمه، دادستان می‌تواند با کسب اجازه از دادگاه مقدماتی و پس از اطلاع دادن به متهم، اتهامات را اصلاح نماید. اگر دادستان اتهامات بیشتری اضافه نماید یا اتهامات جدی‌تری را جایگزین کند، یک جلسه استماع دیگر مطابق این ماده برای تأیید این اتهامات تشکیل خواهد شد. پس از آغاز محاکمه دادستان می‌تواند با اجازه دادگاه مقدماتی اتهامات را حذف نماید.

۱۰) هرگونه قرار بازداشت که قبلاً صادر شده اگر در ارتباط با اتهاماتی باشد که مورد تأیید دادگاه مقدماتی قرار نگرفته یا توسط دادستان حذف شده، باید از اعتبار ساقط شود.

۱۱) زمانی که اتهامات مطابق این ماده مورد تأیید قرار گرفت، ریاست دادگاه موظف خواهد بود دادگاهی بدوی تشکیل دهد که بر حسب بند ۹ و ماده ۶۴، بند ۴، مسئولیت اداره تشریفات قانونی بعدی را بر عهده دارد و می‌تواند هر یک از وظایف دادگاه مقدماتی را که به این تشریفات مربوط می‌شود و قابلیت اجرا دارد، انجام دهد.

بخش ششم. محاکمه

ماده ۶۲

محل محاکمه

محل محاکمه مقر دادگاه خواهد بود، مگر آنکه تصمیم دیگری در این مورد اتخاذ گردد.

ماده ۶۳

محاکمه در حضور شخص متهم

- ۱) متهم باید هنگام محاکمه حضور داشته باشد.
- ۲) اگر متهم حاضر در دادگاه، به اخلاف در امر محاکمه بپردازد، دادگاه بدوی می‌تواند وی را از دادگاه اخراج نموده و ترتیباتی دهد که او بتواند جریان محاکمه را مشاهده کرده و با به کارگیری فناوری ارتباطات، در صورت لزوم از خارج از سالن دادگاه با وکیل مدافع خود گفتگو نماید. چنین اقداماتی فقط باید در شرایط استثنایی پس از آنکه انجام روشهای معقول دیگر کارساز واقع نشود، و صرفاً و اکیداً برای مدت زمانی که لازم است، به کار گرفته شود.

وظایف و اختیارات دادگاه بدوی

- (۱) وظایف و اختیارات دادگاه بدوی که در این ماده تصریح گردیده، باید مطابق این اساسنامه و نیز آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی، اجرا شود.
- (۲) دادگاه بدوی مکلف است از عادلانه و سریع بودن محاکمه اطمینان حاصل نماید و باید با احترام کامل به حقوق شخص متهم و ملاحظه کامل برای محافظت از قربانیان و شهود، اداره شود.
- (۳) به محض ارجاع یک پرونده برای محاکمه مطابق این اساسنامه، دادگاه بدوی مسئول رسیدگی به این پرونده باید:
- الف) با طرفین دعوی وارد مذاکره شده و دستورالعملهای مقتضی برای تسهیل در اجرای یک دادرسی عادلانه و سریع را اتخاذ نماید.
- ب) زبان یا زبانهای مورد استفاده در محاکمه را تعیین نماید؛ و
- ج) با احتساب دیگر مقررات مربوطه در این اساسنامه، اسناد یا اطلاعاتی که قبلاً در دسترس قرار داده نشده را به مدت کافی پیش از شروع محاکمه افشاء نماید تا امکان آماده شدن برای محاکمه به طور شایسته فراهم آید.
- (۴) دادگاه بدوی می‌تواند از جهت کارآیی و عملکرد مناسب، در صورت لزوم، موضوعات مقدماتی را به دادگاه مقدماتی ارجاع نماید، یا اگر لازم باشد به قاضی دیگری که در بخش پیش محاکمه در دسترس باشد، رجوع دهد.
- (۵) بلافاصله پس از اطلاع دادن به طرفین دعوی، دادگاه بدوی می‌تواند اگر مقتضی باشد در ارتباط با اتهاماتی که علیه بیش از یک متهم مطرح گردیده، دستور تلفیق یا تفکیک متهمین را صادر کند.
- (۶) دادگاه بدوی در اجرای وظایف خود قبل و یا در جریان محاکمه، می‌تواند در صورت لزوم:
- الف) هر یک از وظایف دادگاه مقدماتی را، که در ماده ۶۱ پاراگراف ۱۱ قید گردیده، انجام دهد؛
- ب) حضور و شهادت شهود و ارائه اسناد و دیگر شواهد را درخواست نماید و در صورت لزوم این اقدام را از طریق درخواست همکاری کشورها به شرحی که در اساسنامه مندرج گردیده است انجام دهد؛
- ج) اسباب محافظت از اطلاعات محرمانه را فراهم آورد؛
- د) دستور ارائه شواهد و مدارک علاوه بر آنچه که قبل از محاکمه جمع‌آوری شده یا طی محاکمه توسط طرفین دعوی ارائه شده را بدهد؛
- هـ) اسباب محافظت از متهم، شهود، و قربانیان را فراهم سازد؛
- و) درباره هر موضوع مربوطه دیگر فرمان دهد.
- (۷) محاکمه باید به طور علنی برگزار شود. مع هذا دادگاه بدوی می‌تواند تعیین نماید که بعضی شرایط خاص مستلزم آن است که مراحل خاصی از دادرسی برای مقاصدی که در ماده ۶۸ ذکر شد، یا به منظور حفظ

اطلاعات حساس یا مجرمانه‌ای که قرار است به عنوان ادله اثبات دعوا عرضه شود، به صورت غیرعلنی برگزار گردد.

- ۸) الف) در آغاز محاکمه دادگاه بدوی باید اتهامات انتسابی را که قبلاً توسط دادگاه مقدماتی تأیید گردیده برای متهم قرائت نماید. دادگاه بدوی باید اطمینان یابد که چگونگی اتهامات به متهم تفهیم گردیده است. دادگاه موظف است به وی فرصت دهد تا مطابق ماده ۶۵ به گناه خود اعتراف نماید یا آن را انکار نماید.
- ب) در هنگام محاکمه، قاضی ارشد می‌تواند دستورالعملهایی درباره نحوه اداره دادرسی صادر کند، از جمله حصول اطمینان از گردش کار دادگاه به شکل عادلانه و بی‌طرفانه. حسب دستورالعملهای قاضی ارشد، طرفین دعوا می‌توانند مطابق مقررات این اساسنامه، شواهد و مدارک خود را ارائه دهند.
- ۹) دادگاه بدوی ضمناً بر حسب درخواست یکی از طرفین دعوی یا به صلاحدید خود، قادر است که:
- الف) در مورد قابلیت طرح یا ربط شواهد و اسناد، حکم صادر کند؛ و
- ب) تمام اقدامات لازم را برای برقراری نظم طی جریان استماع دادگاه، انجام دهد.
- ۱۰) دادگاه بدوی باید اطمینان یابد که سوابق کاملی از جریان محاکمه تهیه شده که مراحل دادرسی را به دقت منعکس ساخته و توسط مسئول ثبت حفظ و بایگانی می‌شود.

ماده ۶۵

مراحل دادرسی مربوط به اعتراف به جرم

- ۱) هنگامی که متهم پیرو ماده ۶۴، بند ۸) الف) به جرم خود اقرار می‌کند، دادگاه بدوی مکلف است تشخیص دهد که آیا:
- الف) متهم از چگونگی و عواقب اقرار خود به جرم آگاه است یا خیر؛
- ب) اقرار به جرم توسط متهم به طور داوطلبانه و پس از مشورت کافی با وکیل مدافع وی، انجام گرفته است؛ و
- ج) اقرار به جرم توسط واقعیتهای پرونده که در موارد ذیل مندرج گردیده‌اند، تأیید می‌شوند؛
- ۱- اتهامات انتسابی توسط دادستان مطرح، و متهم به آنها اقرار نموده است؛
 - ۲- هر وسیله‌ای که توسط دادستان عرضه شده، مؤید اتهامات است و متهم نیز آن را پذیرفته است؛
 - ۳- هرگونه شواهد دیگر، از قبیل شهادت شهود، که توسط دادستان یا متهم ارائه شده است.
- ۲) اگر دادگاه بدوی متقاعد شود که موضوعات مطروحه در بند ۱ احراز شده‌اند، دادگاه مکلف است اقرار به جرم و نیز هر یک از شواهد و مدارک ارائه شده را به عنوان واقعیتهایی اساسی محسوب نماید که برای اثبات جرمی که مورد اعتراف قرار گرفته، لازم است و می‌تواند متهم را به ارتکاب آن جرم محکوم نماید.
- ۳) اگر دادگاه بدوی متقاعد نشود که موضوعات مطروحه در بند ۱ احراز شده‌اند، باید در نظر گیرد که اعتراف به جرم صورت نگرفته است که در آن صورت مکلف است دستور دهد محاکمه مطابق تشریفات قانونی

معمول، به شرحی که در این اساسنامه مقرر گردیده، انجام شود و می‌تواند دعوی فوق را به شعبه دیگری از دادگاه بدوی ارجاع دهد.

۴) اگر دادگاه بدوی معتقد باشد که به منظور حفظ عدالت و به خصوص حفظ منافع قربانیان، پرونده نیاز به ارائه حقایق مفصل‌تری دارد، دادگاه بدوی می‌تواند هر یک از اقدامات ذیل را انجام دهد:

الف) از دادستان بخواهد شواهد بیشتری ارائه نماید، از جمله شهادت شهود؛ یا

ب) دستور دهد که محاکمه تحت تشریفات قانونی معمول برای محاکمه، که در این اساسنامه مقرر گردیده، ادامه یابد، که در این صورت دادگاه باید در نظر بگیرد که اعتراف به جرم صورت نگرفته است و می‌تواند دعوی فوق را به شعبه دیگری از دادگاه بدوی ارجاع دهد.

۵) هرگونه مذاکره میان دادستان و وکیل مدافع درباره تغییر اتهامات انتسابی، اقرار به جرم یا مجازات تحمیلی، برای دادگاه الزام‌آور نخواهد بود.

ماده ۶۶

اصل برائت

۱) هر کسی بیگناه محسوب می‌شود تا آنکه در برابر دادگاه و مطابق قانون حاکم، گناهکار بودن وی ثابت شود.

۲) مسئولیت اثبات گناه شخص متهم بر عهده دادستان است.

۳) به منظور محکوم نمودن متهم، دادگاه باید درباره گناه متهم به یقین کامل برسد.

ماده ۶۷

حقوق متهم

۱) در مرحله تشخیص هرگونه اتهام انتسابی، متهم حق دارد بر حسب مقررات این اساسنامه، از یک جلسه استماع علنی برخوردار شود، استماع عادلانه‌ای که بی‌طرفانه برگزار گردد، و در آن از حداقل تضمینهای ذیل، با تساوی کامل برخوردار شود:

الف) متهم به زبانی که کاملاً درک می‌کند و صحبت می‌کند، فوراً و مشروحاً از چگونگی، علت و محتوای اتهام انتسابی مطلع گردد؛

ب) متهم از وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه و برقراری ارتباط با وکیل مدافع خود که به طور مجرمانه انتخاب نموده است، برخوردار گردد؛

ج) بدون تأخیر غیرموجه تحت محاکمه قرار گیرد؛

د) مطابق ماده ۶۳ بند ۲، در محاکمه حضور داشته و دفاع از خود را شخصاً یا از طریق وکیل مدافعی که خود انتخاب نموده، انجام دهد، اگر متهم از مشاوره حقوقی برخوردار نشده، وی را از داشتن این حق مطلع

نمایند که در هر حال دادگاه برای حفظ عدالت می‌تواند برای وی مشاور حقوقی تعیین نماید و اگر متهم از توانایی مالی کافی برای پرداخت هزینه آن برخوردار نیست این خدمت رایگان می‌باشد.

ه) شهودی که علیه وی می‌باشند را شخصاً یا توسط دیگران بازجویی نماید و تحت همان شرایط که شهود علیه وی را حاضر و بازجویی نموده‌اند، شهود طرف وی را نیز حاضر و مورد بازجویی قرار دهند. متهم همچنین محق است از خود دفاع نموده و دیگر ادله قابل طرح مطابق این اساسنامه را به دادگاه ارائه دهد؛

و) اگر هر یک از مراحل دادرسی و اسناد ارائه شده به دادگاه به زبانی که متهم کاملاً درک کرده و به آن سخن می‌گوید نباشد، از کمک مترجم شایسته و ترجمه مناسبی که لازمه حفظ عدالت است به طور رایگان برخوردار شود؛

ز) مجبور به ابراز شهادت یا اقرار به گناه نشود و سکوت اختیار نماید بدون آنکه این سکوت در تعیین گناهکار یا بیگناه بودن وی تأثیری داشته باشد؛

ح) شهادتنامه شفاهی یا کتبی در دفاع از خود و بدون قید سوگند تهیه نماید؛ و

ط) هیچگونه بار اثبات متقابل یا هیچگونه مسئولیت تهیه جوابیه بر دوش وی گذاشته نشود.

۲) علاوه بر هرگونه افشاء اسناد که در این اساسنامه مقرر گردیده است، دادستان مکلف است به محض امکان‌پذیر بودن، تمام شواهد و مدارکی را که تحت اختیار یا سلطه دارد و معتقد است که نشانگر بیگناه بودن متهم یا تخفیف مجازات وی می‌شود و یا ممکن است تأثیری بر اعتبار شواهد ارائه شده توسط دادستان داشته باشد در اختیار وکیل مدافع قرار دهد. در صورت عدم اطمینان درباره شمول این بند، دادگاه تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۶۸

محافظت از قربانیان و شهود و مشارکت آنها در مراحل دادرسی

۱) دادگاه مکلف است اقدامات مناسب را جهت حفظ امنیت، سلامت جسمی و روحی، شأن و خلوت قربانیان و شهود انجام دهد. در این راستا دادگاه باید به تمام عوامل مربوطه توجه نماید، از جمله سن، جنسیت به شرح مذکور در ماده ۷، بند ۳، و بهداشت، و چگونگی جرم به ویژه اگر جرم در ارتباط با خشونت‌های جنسی یا جنسیتی یا خشونت علیه کودکان باشد که البته به این موارد محدود نمی‌گردد. دادستان موظف است طی تحقیقات و پیگرد چنین جنایاتی، این اقدامات را انجام دهد. این اقدامات نباید نسبت به حقوق متهم و اجرای محاکمه عادلانه و بی‌طرفانه، تبعیض نماید یا با آنها در تضاد باشد.

۲) یکی از مستثنیات اصل استماع علنی که در ماده ۶۷ تصریح گردیده این است که شعب دادگاه می‌توانند برای حفاظت از قربانیان و شهود یا متهمین، بخشی از مراحل دادرسی را به طور غیرعلنی انجام دهند و یا اجازه دهند ارائه شواهد با استفاده از دستگاه‌های الکترونیک یا وسائل خاص دیگر انجام شود. چنین اقداماتی به خصوص باید در مواردی که شخص قربانی مورد خشونت جنسی واقع شده یا کودکی که قربانی یا شاهد

است انجام گیرد، مگر آنکه دادگاه با توجه به کلیه شرایط، علی الخصوص دیدگاه‌های قربانی یا شاهد، تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

(۳) در صورتی که منافع شخصی قربانیان در معرض خطر قرار گیرد دادگاه مکلف است اجازه دهد دیدگاه‌ها و نگرانیهای آنها مطرح گردد و در مراحل از دادرسی که توسط دادگاه مناسب تشخیص داده شود، در نظر گرفته شده و به طریقی انجام شود که مغایر با حقوق متهم و محاکمه عادلانه و بی‌طرفانه نباشد و سبب تضییع حق متهم نگردد. اگر دادگاه صلاح بداند، چنین نظرات و نگرانیهایی می‌توانند به وسیله وکلای مدافع قربانیان و مطابق آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی مطرح گردند.

(۴) یگان قربانیان و شهود می‌توانند در مورد اقدامات حفاظتی مناسب، اقدامات امنیتی، مشاوره و همیاری، به شرح مذکور در ماده ۴۳ بند ۶، به دادستان و دادگاه توصیه نمایند.

(۵) اگر به موجب این اساسنامه افشاء شواهد یا اطلاعات موجب به مخاطره انداختن جدی امنیت یکی از شهود و یا خانواده وی گردد، دادستان می‌تواند برای هر یک از مراحل دادرسی پیش از شروع محاکمه، چنین شواهد یا اطلاعاتی را محرمانه نگاه داشته و در عوض خلاصه‌ای از آن را تحویل دهد. اما این گونه اقدامات باید به طریقی انجام شوند که مغایر با حقوق متهم و محاکمه عادلانه و بی‌طرفانه نبوده و سبب تضییع حق متهم نگردد.

(۶) هر کشوری می‌تواند در ارتباط با محافظت از کارکنان و عوامل خود و نیز حفظ اطلاعات محرمانه یا حساس، انجام اقدامات لازم را درخواست نماید.

ماده ۶۹

ادله اثبات دعوی

(۱) هر یک از شهود پیش از ادای شهادت، باید مطابق آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی سوگند یاد کند که شهادتی که خواهد داد، حقیقت دارد.

(۲) شهادت شاهد در هنگام محاکمه باید شخصاً ادا شود مگر در مواردی که تدابیر مندرج در ماده ۶۸ یا آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی تصریح می‌کنند. دادگاه همچنین می‌تواند اجازه دهد که شهادت شهود به موجب این اساسنامه و مطابق آئین دادرسی کیفری و ادله اثبات دعوی، شفاهاً یا از طریق ضبط نوار ویدیویی یا صوتی و نیز به صورت ارائه مدارک یا اوراق کتبی ادا شود.

(۳) طرفین می‌توانند شواهد مربوط به پرونده را مطابق ماده ۶۴ ارائه دهند. دادگاه مجاز خواهد بود تحویل کلیه شواهد و مدارکی که برای تشخیص حقیقت لازم می‌داند را درخواست نماید.

(۴) دادگاه می‌تواند از جمله با احتساب ارزش اثباتی مدارک و شواهد و هرگونه تبعیضی که این شواهد ممکن است در یک محاکمه عادلانه یا بررسی عادلانه شهادت شهود سبب شوند، در مورد ربط یا قابلیت طرح هر یک از شواهد مطابق آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی حکم دهد.

- ۵) دادگاه مکلف است مطابق با آنچه در آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی تصریح گردیده، اولویتهای مربوط به محرمانه بودن اسناد را مورد توجه قرار داده و محترم شمارد.
- ۶) دادگاه در مورد آنچه معلومات عمومی محسوب می شود نباید درخواست سند اثبات نماید، بلکه می تواند آنها را از جهت قضایی بدیهی و محرز فرض نماید.
- ۷) شواهد و مدارکی که با نقض این اساسنامه یا حقوق بشر شناخته شده بین المللی به دست آمده باشد قابل طرح نخواهند بود اگر:
- الف) نقض این قوانین تردید عمده ای در مورد میزان اعتبار این شواهد به وجود می آورد؛ یا
- ب) طرح این شواهد و مدارک با اصالت دادرسی ناسازگار بوده و شدیداً به آن لطمه بزند.
- ۸) هنگام تصمیم گیری در مورد مرتبط بودن یا قابلیت مطرح شدن مدارک گردآوری شده توسط یک کشور، دادگاه نباید درباره کاربرد قوانین آن کشور حکم بدهد.

ماده ۷۰

تخلفات مربوط به اجرای عدالت

- ۱) دادگاه نسبت به تخلفات ذیل در صورتی که عمداً مانع اجرای عدالت توسط دادگاه بشوند، صلاحیت قضایی خواهد داشت:
- الف) در صورتی که با وجود ادای سوگند برای بیان حقیقت به موجب ماده ۶۹ بند ۱، شهادت کذب دهد؛
- ب) ارائه شواهد و مدارک توسط شخص، هنگامی که وی از کذب یا جعلی بودن آنها آگاه است؛
- ج) تأثیر فاسد گذاشتن بر شهود، مانع شدن از یا مداخله کردن در حضور شهود و ادای شهادت آنان، انجام اقدامات تلافی جویانه علیه شهود به دلیل شهادت دادن، یا تخریب، مخدوش نمودن یا اختلال کردن در امر گردآوری شواهد و اسناد؛
- د) ممانعت کردن، تهدید نمودن یا پرداختن رشوه به یک مقام رسمی دادگاه به منظور اجبار یا ترغیب وی به عدم اجرای وظایف خود یا اجرای نادرست آن؛
- هـ) انتقام جویی علیه یک مقام دادگاه به دلیل وظایفی که توسط او و یا یکی دیگر از همکاران او انجام شده؛
- و) پرداخت یا قبول رشوه به عنوان یک مقام رسمی دادگاه در ارتباط با انجام وظایف رسمی وی.
- ۲) اصول و قواعد حاکم بر اعمال صلاحیت دادگاه بر روی تخلفات مربوط به این ماده، همان اصول و قواعدی خواهند بود که برای آئین دادرسی کیفری و ادله اثبات دعوی مقرر شده اند. شرایط ایجاد همکاری بین المللی با دادگاه در ارتباط با مراحل دادرسی مطابق این ماده، تحت تسلط قوانین داخلی کشور مورد تقاضا خواهد بود.

۳) در صورت محکومیت، دادگاه می‌تواند یک دوران حبس حداکثر پنج ساله یا جریمه‌ای مطابق آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی یا هر دو را تعیین نماید.

۴) الف) هر یک از کشورهای عضو موظفند آن بخش از قوانین کیفری خود که درباره مجازات تخلفات علیه شرافت مراحل تحقیقاتی یا قضایی داخلی می‌باشد را به گونه‌ای بسط دهد که شامل تخلفات علیه اجرای عدالت به شرحی که در این ماده مذکور گردیده و در قلمرو آن کشور یا توسط یکی از اتباع آن ارتکاب یافته نیز بشود؛

ب) به محض درخواست دادگاه و هرگاه که مناسب تشخیص دهد، کشور عضو باید پرونده را به منظور پیگرد به مقامات ذیصلاح خود تحویل دهد. آن مقامات باید اینگونه پرونده‌ها را با جدیت بررسی کرده و منابع کافی به آن اختصاص دهند تا رسیدگی مؤثر به آنها را امکان پذیر سازد.

ماده ۷۱

تحریمهای مربوط به بدرفتاری در برابر دادگاه

۱) دادگاه می‌تواند افراد حاضر در برابر دادگاه را که مرتکب بدرفتاری گردیده‌اند، از جمله ایجاد اختلال در مراحل دادرسی یا امتناع عمدی از پیروی دستورات دادگاه، با انجام اقدامات اداری غیر از حبس، از قبیل اخراج موقت یا دائم از سالن دادگاه، جریمه یا دیگر اقدامات مشابه که در آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی تصریح گردیده، تحریم نماید.

۲) اصول و قواعد حاکم بر اعمال اقدامات مصروحه در بند ۱، همان اصول و قواعدی هستند که در آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی هم قید گردیده‌اند.

ماده ۷۲

حفظ اطلاعات امنیت ملی

۱) این ماده در مواردی مصداق می‌یابد که افشاء اطلاعات یا اسناد یک کشور، به عقیده آن کشور سبب به مخاطره انداختن منافع امنیت ملی کشور مزبور گردد. چنین مواردی شامل آنهایی می‌شوند که مشمول ماده ۵۶ بندهای ۲ و ۳، ماده ۶۱ بند ۳، ماده ۶۴ بند ۳، ماده ۶۷ بند ۲، ماده ۶۸ بند ۶، ماده ۸۷ بند ۶، و ماده ۹۳ و نیز مواردی می‌شود که ممکن است در هر مرحله از دادرسی به وجود بیاید و فاش ساختن اسناد در آن ممکن است مشکل ساز بشود.

۲) این ماده همچنین در مواقعی که از شخص خواسته شده است اطلاعات یا شهادت بدهد و وی از انجام این کار امتناع ورزیده یا موضوع را به این دلیل که فاش ساختن اطلاعات، منافع امنیت ملی یک کشور را به مخاطره می‌اندازد، به آن کشور ارجاع کرده است و کشور ذیربط نیز تأیید کرده که معتقد است فاش ساختن اطلاعات مزبور علیه منافع امنیت ملی آن کشور می‌باشد، مصداق می‌یابد.

- (۳) هیچ بخش از این ماده نباید به شروط لازم درباره حفظ اسناد و اطلاعات مجرمانه که به موجب ماده ۵۴ بند ۳ (هـ) و (و) لازم الاجراست یا به موجب ماده ۷۳ قابل اعمال است، لطمه برساند.
- (۴) اگر کشوری مطلع شود که اطلاعات و اسناد آن کشور در حال فاش شدن است یا احتمال دارد در هر مرحله از دادرسی فاش بشود، و بر این عقیده است که افشاء این اسناد به زیان منافع امنیت ملی آن کشور می‌باشد، کشور مزبور حق دارد مطابق این ماده به منظور حل و فصل این موضوع، مداخله نماید.
- (۵) اگر به عقیده یک کشور، فاش ساختن اطلاعات سبب به مخاطره انداختن منافع امنیت ملی آن کشور می‌شود، باید تمام اقدامات معقول توسط آن کشور در همراهی با دادستان، وکیل مدافع یا دادگاه مقدماتی یا دادگاه بدوی، یا هر کدام، صورت گیرد تا موضوع از طریق تشریک مساعی حل شود. چنین اقداماتی می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:
- الف) اصلاح یا تشریح درخواست مزبور؛
- ب) تصمیم دادگاه مبنی بر ربط اطلاعات یا اسناد مزبور با موضوع دادرسی، یا تصمیم در مورد اینکه آیا اسناد مزبور با وجود آنکه با موضوع دادرسی مربوط هستند، از منبع دیگری به جز کشور مورد تقاضا به دست آمده‌اند یا می‌توانند به دست آیند؛
- ج) کسب اطلاعات یا اسناد و مدارک از منبعی متفاوت یا به شکلی متفاوت؛ یا
- د) توافق بر سر شرایطی که تحت آن کمک و همیاری می‌تواند فراهم گردد، که در این میان از جمله می‌توان از موارد ذیل نام برد: تهیه خلاصه یا ویرایشهای ترکیبی، محدود ساختن اطلاعات فاش شده، برگزاری جلسات غیرعلنی یا دادرسی با حضور فقط یک طرف دعوی، یا دیگر اقدامات حفاظتی مجاز مطابق این اساسنامه و آئین نامه دادرسی و ادله اثبات دعوی.
- (۶) هنگامی که تمامی اقدامات معقول برای حل موضوع از طریق همکاری انجام شده و هنوز کشور مزبور معتقد است که به هیچ طریق یا شرایطی اطلاعات یا اسناد نباید ارائه یا فاش شوند، زیرا این امر به زیان منافع امنیت ملی کشور می‌باشد، این کشور باید دادستان یا دادگاه را از دلایل خاص مربوط به این تصمیم آگاه نماید، مگر آنکه تشریح دقیق این دلایل خود لزوماً سبب لطمه زدن به منافع امنیت ملی آن کشور گردد.
- (۷) سپس اگر دادگاه تشخیص دهد که این شواهد مرتبط بوده و برای اثبات گناهکار یا بیگناه بودن متهم ضروری هستند، دادگاه می‌تواند اقدامات ذیل را انجام دهد:
- الف) اگر فاش ساختن اطلاعات یا اسناد به دنبال درخواست همکاری مطابق بخش ۹ یا شرایط مذکور در بند ۲ می‌باشد، و کشور مزبور هم به استناد مفاد ماده ۹۳ بند ۴، امتناع می‌ورزد:
- ۱- دادگاه می‌تواند پیش از اتخاذ هرگونه تصمیم نهایی که در تبصره ۷ الف) (۲) به آن اشاره شد، فرصت بیشتری برای مشورت به منظور بررسی نظرات وکلای آن کشور که ممکن است، در صورت لزوم، استماع غیرعلنی یا یک طرفه باشد درخواست بنماید؛

۲- اگر دادگاه به این نتیجه برسد که با استناد به مفاد ماده ۹۳ برای امتناع، و با توجه به شرایط پرونده، کشور مورد تقاضا مطابق تعهدات خود نسبت به این اساسنامه عمل نمی‌کند، دادگاه ممکن است با تشریح دلایل نتیجه‌گیری خود، موضوع را مطابق ماده ۸۷ بند ۷ به مرجع دیگری ارجاع دهد؛ و

۳- دادگاه می‌تواند در محاکمه متهم بر حسب وجود یا فقدان یک واقعیت، بنا به تناسب شرایط، استنتاج نماید؛ یا

(ب) در کلیه شرایط دیگر:

۱- دستور فاش کردن مدارک را بدهد؛ یا

۲- تا حدی که دستور فاش کردن مدارک را نمی‌دهد، در محاکمه متهم بر حسب وجود یا فقدان یک واقعیت، بنا به تناسب شرایط، استنتاج نماید.

ماده ۷۳

اطلاعات یا اسناد مربوط به شخص ثالث

اگر دادگاه از یکی از کشورهای عضو تقاضا نماید تا اسناد یا اطلاعاتی را که در توقیف، تملک، یا اختیار دارد که توسط یک کشور، سازمان بین دولتی یا سازمان بین‌المللی به طور محرمانه برای آن کشور فاش گردیده، در اختیار دادگاه قرار دهد، کشور عضو باید ابتدا رضایت منبع اولیه را برای فاش ساختن مدارک مزبور جلب نماید. اگر منبع اولیه، یکی از کشورهای عضو باشد، یا باید به فاش ساختن این اسناد یا اطلاعات رضایت دهد یا قبول کند که موضوع فاش ساختن را پیرو مقررات ماده ۷۲ با دادگاه حل و فصل نماید. اگر منبع اولیه از کشورهای عضو نباشد و از دادن رضایت برای افشاء این اسناد امتناع ورزد، کشور مورد تقاضا مکلف است به دادگاه اطلاع دهد که به علت تعهدی که قبلاً درباره محرمانه نگاه داشتن این اسناد یا اطلاعات به منبع اولیه دارد، قادر به ارائه این اسناد یا اطلاعات نمی‌باشد.

ماده ۷۴

ملزومات صدور رأی

(۱) کلیه قضات دادگاه بدوی باید در هر یک از مراحل محاکمه و در طول تمام مذاکرات حضور داشته باشند. ریاست دادگاه می‌تواند در مورد هر پرونده در صورت فراهم بودن، یک یا چند قاضی علی‌البدل تعیین نماید که در هر یک از مراحل محاکمه حضور داشته باشند و اگر یکی از اعضاء دادگاه بدوی قادر به ادامه حضور در محاکمه نباشد، جانشین وی گردند.

(۲) تصمیم دادگاه بدوی باید بر پایه ارزیابی این دادگاه از شواهد و مدارک و نیز تمامی مراحل دادرسی باشد. این تصمیم نباید از حد واقعیتها و شرایط توصیف شده در اتهامات انتسابی و هرگونه اصلاحیه مربوط به سند

- اعلام جرم، فراتر رود. دادگاه می‌تواند فقط بر پایه شواهدی که طی محاکمه ارائه شده و مورد بحث قرار گرفته، تصمیم خود را اتخاذ نماید.
- ۳) قضات باید سعی کنند در اخذ تصمیم، به اتفاق آراء دست یابند، و در صورت عدم موفقیت در این امر، تصمیم بر اساس اکثریت آراء قضات گرفته خواهد شد.
- ۴) بحث و تبادل نظرهای انجام شده در دادگاه بدوی باید محرمانه باقی بماند.
- ۵) حکم دادگاه باید به صورت کتبی باشد و حاوی بیانیه‌ای کامل و مدلل در مورد یافته‌های دادگاه بدوی درباره شواهد و مدارک و نتیجه‌گیری حاصل از آن باشد. دادگاه بدوی باید فقط یک حکم صادر نماید. در صورت عدم دستیابی به اتفاق آراء، رأی دادگاه بدوی باید حاکی از نظرات اکثریت و اقلیت باشد. رأی دادگاه یا خلاصه آن باید در جلسه علنی دادگاه اعلام شود.

ماده ۷۵

جبران خسارت قربانیان

- ۱) دادگاه مکلف است شرایط مرتبط با پرداخت تاوان به یا در ارتباط با قربانیان را برقرار کند، از جمله: استرداد، پرداخت غرامت و اعاده حیثیت از آنها. بر این اساس، دادگاه می‌تواند در مواقع استثنایی یا بر حسب درخواست یا به صلاحدید خود، حدود و گستره هرگونه خسارت، تلفات و صدمات به قربانیان یا مربوط به قربانیان را در حکم صادره برآورد کرده و اصولی که بر مبنای آن عمل خواهد نمود را مشخص سازد.
- ۲) دادگاه می‌تواند مستقیماً علیه شخص محکوم، حکم صادر کند و در آن جبران مناسب خسارت نسبت به قربانیان یا مربوط به آنان را از قبیل استرداد، پرداخت غرامت و اعاده حیثیت، مشخص نماید. در صورتی که مناسب باشد، دادگاه می‌تواند دستور دهد که پرداخت غرامت از طریق صندوق امانات که در ماده ۷۹ مقرر گردیده صورت گیرد.
- ۳) پیش از صدور رأی مطابق این ماده، دادگاه می‌تواند نمایندگان شخص محکوم، قربانیان، دیگر افراد یا کشورهای مرتبط با پرونده را دعوت نموده و دیدگاه‌های ایشان را در نظر بگیرد.
- ۴) دادگاه در اجرای اختیارات خود مطابق این ماده، می‌تواند پس از آنکه شخصی به جرمی که در حوزه صلاحیت دادگاه است محکوم شده، تعیین نماید که آیا به منظور لازم الاجرا شدن حکمی که ممکن است مطابق این ماده صادر شده باشد لازم به اقدام مطابق ماده ۹۳ بند ۱، است یا خیر.
- ۵) کشور عضو باید حکم صادره بر اساس این ماده را لازم الاجرا بداند، درست مانند اینکه مقررات ماده ۱۰۹ شامل حال این ماده بشود.
- ۶) هیچ بخشی از این ماده نباید طوری تفسیر گردد که به حقوق قربانیان مطابق قوانین کشوری و حقوق بین‌الملل لطمه بزند.

تعیین مجازات

- (۱) در صورت محکومیت، دادگاه بدوی باید مجازات مناسبی را برای محکوم در نظر بگیرد و باید شواهد و مدارک ارائه شده و اظهارات افراد طی محاکمه را که به مجازات مربوط می‌شوند، در نظر داشته باشد.
- (۲) غیر از موارد مشمول ماده ۶۵ و پیش از تکمیل محاکمه، دادگاه بدوی می‌تواند به صلاحدید خود و یا مکلف است بر حسب تقاضای دادستان یا متهم، جلسه استماع دیگری برگزار نماید تا مطابق آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی به استماع هرگونه شواهد یا اظهارات اضافی مربوط به مجازات بپردازد.
- (۳) در مواردی که بند ۲ شامل می‌شود باید طی جلسه استماع اضافی که در بند ۲ به آن اشاره شد، و در صورت لزوم طی هر جلسه استماع اضافی دیگر، مطابق ماده ۷۵ به استماع اظهارات و کلای طرفین پرداخت.
- (۴) مجازات باید به طور علنی و در صورت امکان در حضور متهم اعلام شود.